

پیش به سوی ایران ۱۴۴۴

ترندگذاری دوره‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت

۱۳۹۹ - ۱۳۹۴

در افق طرح‌ریزی استراتژیک ۱۴۱۴

۱٪

ویراست دوم

اسفند ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز بررسی‌های دکترينال

www.andishkadeh.ir

دفتر ترند و خط‌مشی

ترندگذاری دوره‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت ۱۳۹۹-۱۳۹۴

در افق طرح‌ریزی استراتژیک ۱۴۱۴

ویراست دوم- اسفند ۱۳۹۳

فهرست

مقدمه	۱
فصل یکم: گزاره‌های جهانی	۱۲
فصل دوم: گزاره‌های بین‌المللی	۱۸
فصل سوم: گزاره‌های ملی	۲۶
فصل چهارم: مخاطرات	۷۲
پیوست	۷۶
منابع	۸۶

مقدمه

ترندگذاری دوره‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت*

۱۳۹۴-۱۳۹۹

در افق طرح‌ریزی استراتژیک ۱۴۱۴

ششمین برنامه‌ی پیش‌رفت جمهوری اسلامی ایران مقطع پنج‌ساله‌ی ۱۳۹۴-۱۳۹۹ را در برمی‌گیرد. برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، وارث پیامدهای مثبت و منفی پنج برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی قبلی در یک دوره‌ی ۲۵ ساله است؛ هم‌چنین برنامه‌ی ششم، عمیقاً متأثر از وقایع و تحولات جهانی، منطقه‌ای و ملی است که رخ داده یا در حال وقوع است. از این رو، ترند**های برنامه‌ی ششم، لزوماً باید مبتنی بر پیامدهای برنامه‌های پیشین و تحولات جهانی، منطقه‌ای و ملی گذاشته شوند. محورهای کلی ترندگذاری برنامه‌ی ششم، به

* این متن ترندگذاری، انتهای هر فصل، به‌روز می‌شود.

** واژه‌ی ترند *Trend* در زبان فارسی به معنی «فرانمای روند» وقایع و تصمیم‌های معطوف به آن است. ترندگذاری از سه مکتب کلی تبعیت می‌کند: مکتب یکم مبتنی بر تبیین وضع موجود؛ مکتب دوم مبتنی بر تبیین وضع مطلوب؛ و مکتب سوم که غایت انگار است، مبتنی بر عاقبت‌نگری در عالم عقبا است.

اجمال در پی این مقدمه آمده است. اما سه نکته‌ی اساسی، روند برنامه‌ریزی استراتژیک طرح‌های پیش‌رفت را اصلاح و غنی می‌سازد:

الف- طرح‌ریزی‌های پنج ساله، با یک اشکال اساسی مواجه است و آن اشکال این است که اجرای این طرح‌ها و برنامه‌ها، اغلب به جمهوری بعد موکول می‌شوند. برنامه‌ی چهارم توسعه توسط جمهوری هشتم ریخته شد و در جمهوری نهم اجرا گردید. برنامه‌ی پنجم توسعه نیز در جمهوری دهم ریخته شد و اجرای بخشی از آن به جمهوری یازدهم موکول گردید. با توجه به این‌که هر جریان سیاسی که از سوی مردم انتخاب می‌شود، غالباً در یک دوره‌ی هشت ساله، دو جمهوری چهار ساله را عهده‌دار می‌شود، عقلانی‌تر است که برنامه‌ی دوره‌ی دو جمهوری را تهیه کند.

از این‌رو ضروری است **برنامه‌های پنج ساله‌ی پیش‌رفت** تبدیل به **برنامه‌های هفت ساله‌ی پیش‌رفت** شوند. در این صورت هر جمهوری که شکل گرفت، در یک سال اول عمر خود، برنامه‌ی مطلوب خود را تهیه نموده و در مجلس شورای اسلامی تصویب نماید. سپس در سه سال باقی عمر آن جمهوری - و چهار ساله‌ی عمر جمهوری بعدی - آن برنامه‌ی هفت ساله‌ی خود را اجرا کند. در این صورت امکان ارزیابی برنامه‌ی اختصاصی هر جمهوری و عمل‌کرد آن جمهوری پس از اتمام دوره‌ی آن بهتر محقق می‌شود.

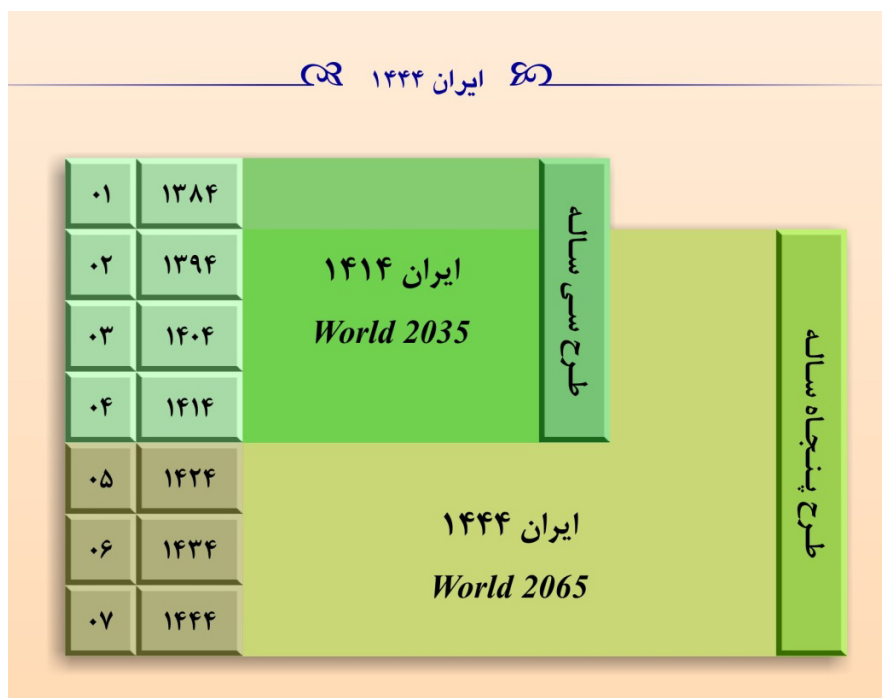
در قرآن کریم، نظام برنامه‌ریزی استراتژیک حضرت یوسف ^(ع) برای مصر باستان تشریح شده است. رؤیای فرعون مصر در خواب، حاوی علائمی بود که یوسف ^(ع) آن‌ها را تأویل کرد و مبتنی بر آن، دو برنامه‌ی هفت ساله را برای چهارده سال ریخت. از این‌رو برنامه‌ی هفت ساله، یک الگوی وحیانی نیز در قرآن کریم دارد.

ب- برنامه‌های پیش‌رفت باید در افق مشخص ریخته شود. برنامه‌ی ششم پیش‌رفت نیز یک افق نزدیک دارد که سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. اما تحولات پرشتاب جهانی حکم می‌کند که این نگاه عمیق‌تر شود. برای برنامه‌ی ششم - که اجرای آن از ۱۳۹۴ آغاز می‌شود - افق ۱۴۱۴، خود یک

افق بیست ساله است. چشم‌انداز ۱۴۰۴ افق نزدیک، چشم‌انداز ۱۴۱۴ افق واسط و چشم‌انداز ۱۴۴۴ افق دور برنامه‌ی ششم پیشرفت است.

اکنون کشور با گذشت یک دهه از چشم‌انداز ۱۴۰۴ فقط به مدت ۱۰ سال چشم‌انداز دارد. حال آن‌که افق ۱۰ ساله افق نزدیک است و باید افق دور را در جهان و ایران نگریست.

از این رو نگرش ۵۰ ساله در افق دور، سپس هدف‌گذاری در زیر آن در افق‌های نزدیک، حکم عقل است. زیرا روند تحولات پر شتاب، فرصت تحلیل وقایع متعدد در یک مقطع زمانی را به تصمیم‌سازان نمی‌دهد. در نتیجه تصمیم‌سازان مجبورند که افق‌های ۵۰ سال و بالاتر را در نظر بگیرند و در افق‌های کوتاه و میان مدت تصمیم‌سازی کنند.



ج- طرح‌ریزی استراتژیک، روی‌کردهای متعدد و متنوعی دارد که در ایران متأسفانه تنها یک روی‌کرد مورد توجه بوده است؛ مکتب «اصالت فرصت» در روی‌کرد امنیت‌مدار. این مکتب که تحت عنوان مخفف *SWOT* شناخته می‌شود، ظرفیت کامل و جامعی برای طرح‌ریزی استراتژیک ندارد. هر حوزه‌ای، روی‌کرد طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی خاص خود را می‌طلبد که

غالباً با روی‌کرد امنیت‌مدار و به ویژه با مکتب *SWOT* تمایز و تفاوت اساسی دارد.

مرکز بررسی‌های دکترینال از سال ۱۳۸۴ هم‌زمان با آغاز چشم‌انداز رسمی جمهوری اسلامی (ایران ۱۴۰۴) چشم‌انداز عمومی ۱۴۱۴ را آغاز نمود. دهه‌ی نخست چشم‌انداز ۱۴۱۴ مرکز بررسی‌های دکترینال در حالی به پایان می‌رسد که اهدافی مانند بومی‌سازی دانش دکترینولوژی، تربیت گسترده‌ی جوانان علاقه‌مند به تصمیم‌سازی، و تهیه‌ی طرح‌های استراتژیک سازمان‌ها و نهادهای گوناگون در افق ۱۴۱۴ کمابیش محقق شده است و استمرار دارد:

۱- پایان‌نامه‌های دانشجویی مقاطع فوق لیسانس و دکترا با پسوند «ایران ۱۴۱۴» در دانشگاه‌های مختلف کشور، و در رشته‌های گوناگون، همه مربوط به پروژه‌ی ۱۴۱۴ مرکز بررسی‌های دکترینال است. هم‌چنین همه‌ی طرح‌های استراتژیک در سازمان‌ها، نهادها و وزارت‌خانه‌ها که افق ۱۴۱۴ دارد، همه از محصولات این مرکز در دهه‌ی نخست چشم‌انداز ۱۴۱۴ محسوب می‌شود.

۲- اکنون با گذشت یک دهه از برنامه‌ی ۳۰ ساله‌ی مرکز بررسی‌های دکترینال در عرصه‌ی رسمی و عمومی، و باقی ماندن یک چشم‌انداز ۲۰ ساله، این مرکز با ایجاد تمهیدات لازم، افق ۳۰ ساله‌ی دوم را به چشم‌انداز باقی‌مانده‌ی ۲۰ ساله منضم نمود و نخستین طرح استراتژیک ۵۰ ساله‌ی کشور را آغاز کرد.

۳- با توجه به این‌که نظام کلان ملی کشور، دارای ۱۴۰ زیرنظام اصلی است، در طرح‌ریزی استراتژیک ۵۰ ساله، هر زیر نظام خود واجد یک طرح استراتژیک مستقل است. طرح استراتژیک هر یک از این زیرنظام‌ها در قالب دکترین جامع آن زیرنظام تبیین می‌شود. تاکنون ۱۴ مورد از طرح‌های استراتژیک زیرنظام‌های اصلی تهیه شده است و تعداد دیگری نیز به درخواست سازمان‌های مربوطه در دست تهیه است.

۴- بخشی از رئوس کلی طرح‌های استراتژیک هر یک از زیرنظام‌ها، در قالب «ترند» های اصلی، در افق میان‌مدت ۱۴۱۴ و بلندمدت ۱۴۴۴ برای آشنایی عموم مردم، و همچنین گفتمان‌سازی در عرصه‌ی عمومی در این دفتر منتشر می‌شود. البته این دفتر با محورهای تکمیلی در موضوعات تخصصی هر سازمان، برای آن سازمان‌ها و نهادها تهیه و ارسال می‌شود که به دلیل طبقه‌بندی اداری - امنیتی، امکان انتشار عمومی ندارد.

۵- این دفتر، در انتهای هر فصل به‌روز می‌شود، و در انتهای هر سال با انتشار عمومی بخشی از موارد ترندهای کلی به اطلاع عموم مردم می‌رسد.

۶- در ترندگذاری افق‌های ۱۴۱۴ و ۱۴۴۴ از مؤلفه‌های قرآنی، دیدگاه چهارده معصوم (ع)، دیدگاه امام خمینی (ره)، دیدگاه امام خامنه‌ای، نتایج پروژه‌های تحقیقاتی حوزه‌های گوناگون ملی و جهانی استفاده شده و می‌شود.

۷- در آینده‌شناسی، تبیین محیط جهانی و ملاحظه‌ی افق‌ها و چشم‌اندازهای دیگر جوامع یک ضرورت است. از این رو مطالعه‌ی ترندهای نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه‌ی اروپا، پیمان ناتو، پیمان شانگهای و غیره برای ترندگذاری انقلاب اسلامی در افق ۱۴۴۴ لحاظ شده است:

- ۱- ترندهای ۲۰۱۵ و ۲۰۲۵ سازمان CIA - آمریکا.
- ۲- ترندهای ۲۰۱۵ TRADOC فرماندهی دکترین و آموزش - ارتش آمریکا.
- ۳- ترندهای ۲۰۲۰ TrendOne اتحادیه اروپا.
- ۴- ترندهای ۲۰۴۵ DCDC مرکز دکترین، مفاهیم و توسعه - ارتش انگلیس.
- ۵- ترندهای ۲۰۵۰ ریچارد واتسن - آمریکا.

مگا ترندهای مرکز ترندوان *TrendOne* (اتحادیه اروپا) با اصالت بخشی به فضای سایر

<i>EcoLution</i>	چاره‌های زیست‌محیطی	۱
<i>Skill Society</i>	جامعه‌ی مهارتی	۲
<i>Self Central</i>	خود مرکزی	۳
<i>HealthStyle</i>	سبک تن‌درستی	۴
<i>Human 2.0</i>	انسان دوم	۵
<i>Attention Economy</i>	اقتصاد توجه	۶
<i>Social Spin</i>	اسپین اجتماعی	۷
<i>Data Era</i>	دوره‌ی اطلاعات	۸
<i>Outernet</i>	اوترنت	۹
<i>Shy Tech</i>	شای تکنولوژی	۱۰
<i>Fab Revolution</i>	انقلاب در تولید صنعتی	۱۱
<i>Ease Unlimited</i>	تسهیل نامحدود (فضای مجازی)	۱۲
<i>Game On!</i>	بازی مدام	۱۳

در افق ۲۰۲۰

ترندهای استراتژیک مرکز دکترین، مفاهیم و توسعه DCDC (انگلیس) با اصالت بخشی به محیط

<i>The Environment</i>	محیط زیست	۱
<i>Automation and Work</i>	اتوماسیون و کار	۲
<i>Education</i>	تربیت	۳
<i>Health</i>	تن درستی	۴
<i>Demography</i>	مردم‌نگاری	۵
<i>Corruption and Money</i>	پول و مفاسد	۶
<i>Identity and The Role of The State</i>	هویت و نقش دولت	۷
<i>Urbanization</i>	شهری‌شدن	۸
<i>Information</i>	اطلاعات	۹
<i>Gender</i>	جنسیت	۱۰
<i>Resources</i>	منابع	۱۱
<i>Transport</i>	حمل و نقل	۱۲
<i>Defence Spending and Capabilities</i>	هزینه‌های دفاعی و ظرفیت‌ها	۱۳

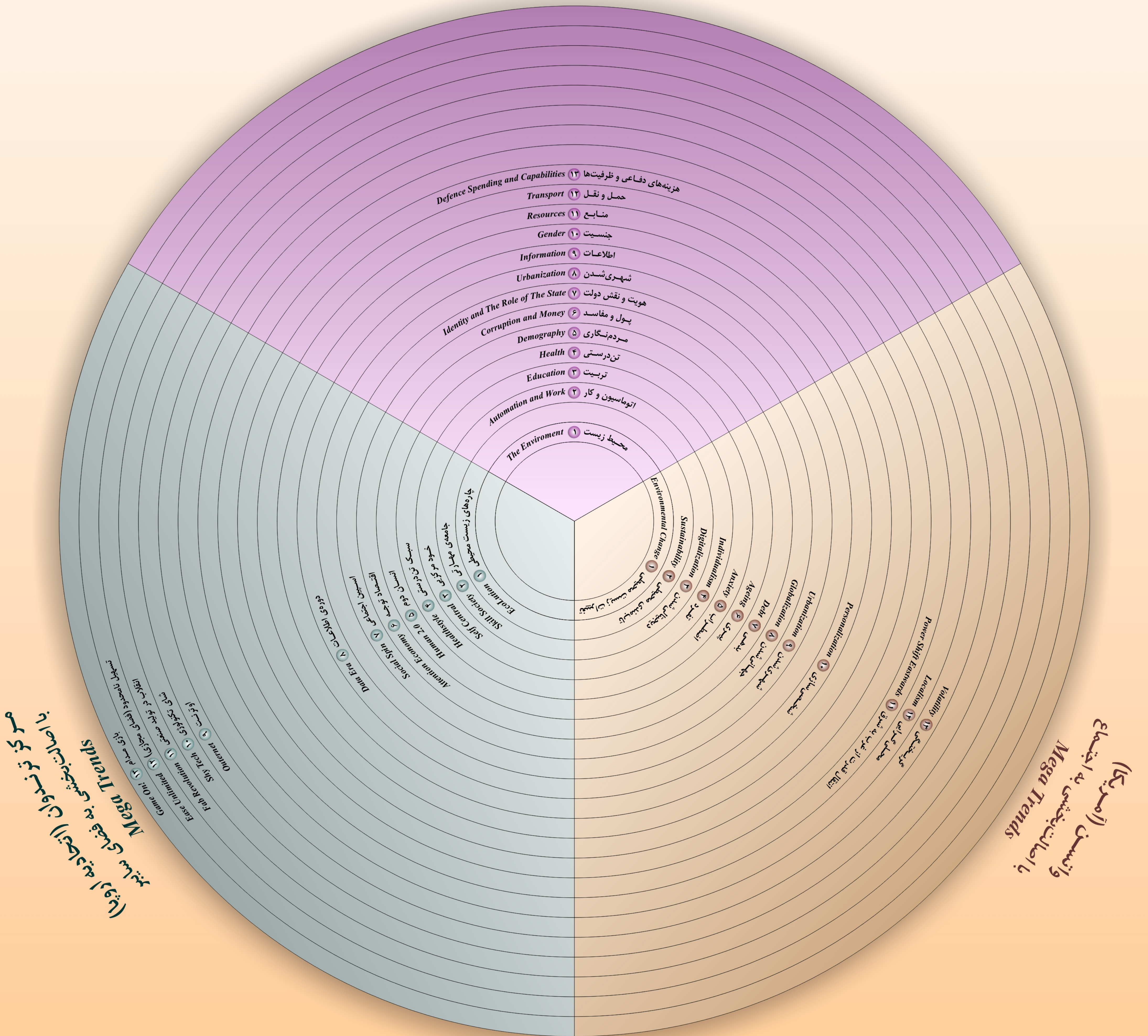
در افق ۲۰۴۵

مگا ترندهای ریچارد واتسون (آمریکا) با اصالت بخشی به اجتماع

<i>Environmental Change</i>	تغییرات زیست محیطی	۱
<i>Sustainability</i>	تاب مندی محیطی	۲
<i>Digitalization</i>	دیجیتالی شدن	۳
<i>Individualism</i>	تفرد	۴
<i>Anxiety</i>	اضطراب	۵
<i>Aging</i>	پیری	۶
<i>Debt</i>	بدهی	۷
<i>Globalization</i>	جهانی شدن	۸
<i>Urbanization</i>	شهری شدن	۹
<i>Personalization</i>	شخصی سازی	۱۰
<i>Power Shift Eastwards</i>	انتقال قدرت از غرب به شرق	۱۱
<i>Localism</i>	محلی گرایی	۱۲
<i>Volatility</i>	گریختگی	۱۳

در افق ۲۰۵۰

مرکز دکترین، مفاهیم و توسعه (انگلیس)
با اصالت‌بخشی به محیط
Strategic Trends



فصل یکم

گزاره‌های جهانی

گزاره‌های جهانی

۱- نظام چند قطبی

گروه بریکس *BRICS*، شامل روسیه، چین، برزیل، هند و آفریقای جنوبی که نزدیک به یک‌سوم اقتصاد جهان را دربردارند در حال ایجاد صندوق پولی مشترک، برای شکستن انحصار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هستند؛ این اقدام، آمریکا و اقتدار دلار را به چالش خواهد کشید. وقایع اوکراین و سوریه، شکاف روسیه و غرب را بیشتر کرد و همچنین موجب هوشیاری بیشتر چین شد. غیر از گروه بریکس و پیمان شانگهای، حوزه‌ی مرکوسور (کشورهای آمریکای لاتین) نیز برای شفاف کردن مرزهای منافع خود با آمریکای شمالی و اروپا، تلاش می‌کنند. ازاین‌رو، جهان در دوره‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت جمهوری اسلامی، به سمت نظام کلی دو قطبی غرب (اروپا و آمریکا) - شرق (چین و روسیه) پیش می‌رود.

جهان اسلام، از یک سو درگیر جنبش‌های بیداری اسلامی در مصر، یمن، فلسطین، بحرین، تونس و لیبی است و از سوی دیگر با فتنه‌ی تکفیری‌ها مواجه است. در جهان اسلام نسبت به تحولات جهانی و روند شکل‌گیری نظم جهانی، چهار انگاره‌ی متفاوت وجود دارد:

الف- انگاره‌ی غالب (در میان دولت‌های کشورهای اسلامی): انگاره‌ی غالب، گرایش به قطب غربی جهان (آمریکا-اروپا) است؛ ترکیه و عربستان پرچم‌دار این انگاره هستند و عمده‌ی کشورهای عرب از این انگاره پیروی می‌کنند.

ب- انگاره‌ی ضعیف: روی‌کرد به قطب شرقی جهان (روسیه-چین).

پ- انگاره‌ی غفلت: روی‌کرد کشورهایی که متوجه تحولات نظام جهانی نبوده و به مشکلات خود مشغول هستند.

ت- انگاره‌ی تهاجمی: روی‌کرد سامان‌دهی قطب سوم جهان (جنبش جهانی بیداری اسلامی- جنبش جهانی مستضعفین). پرچم این انگاره، در دست نیروهای انقلاب اسلامی و جریان منطقه‌ای حزب‌الله است.

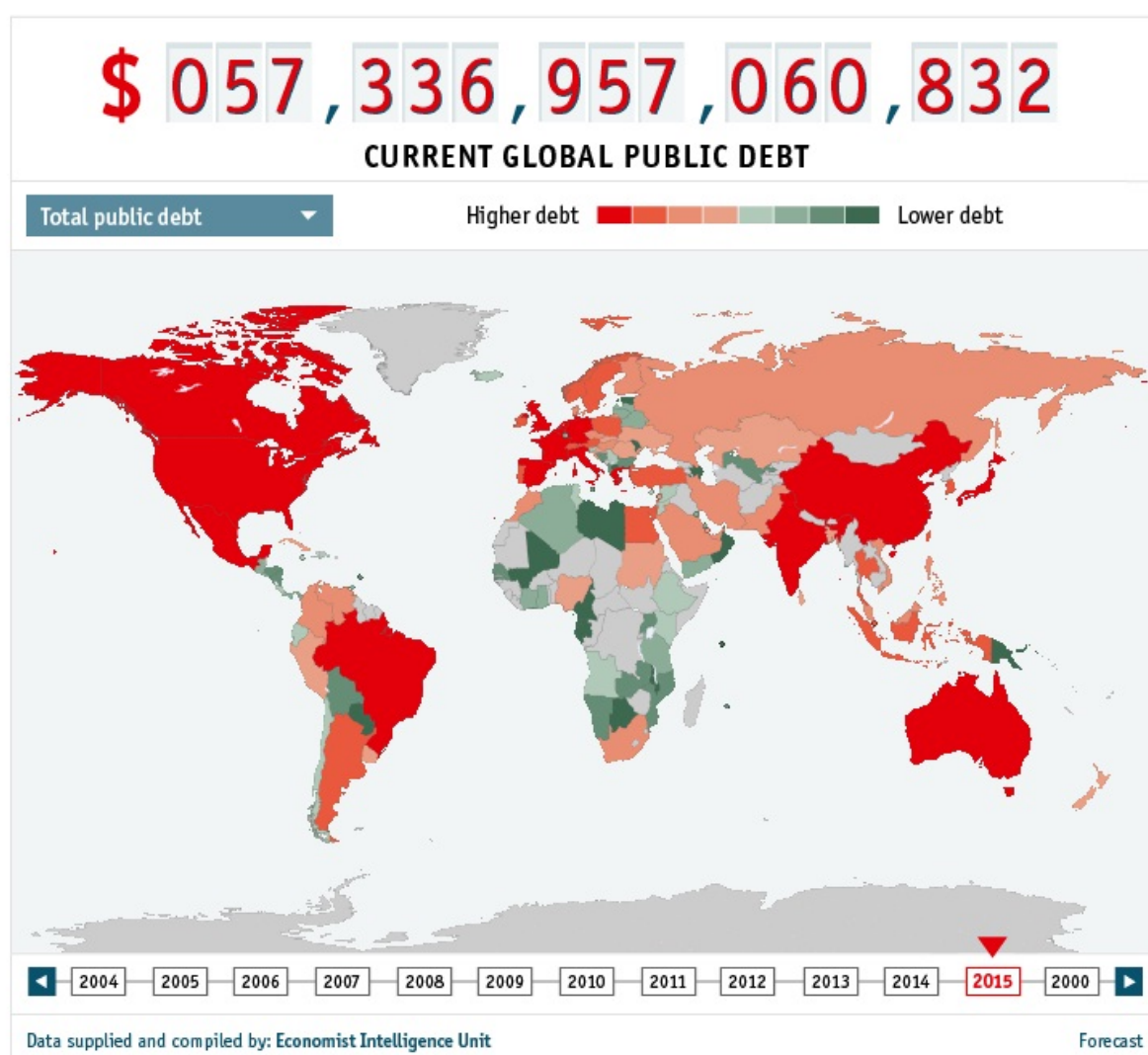
هر چهار انگاره، ضعف‌ها و قوت‌ها و همچنین فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی خود را دارند؛ اما آنچه

مشهود است، این که هیچ یک از این انگاره‌ها در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت نمی‌توانند بر جهان اسلام غالب شوند و ناچار به تعامل و یارگیری و تقابل با یکدیگر هستند.

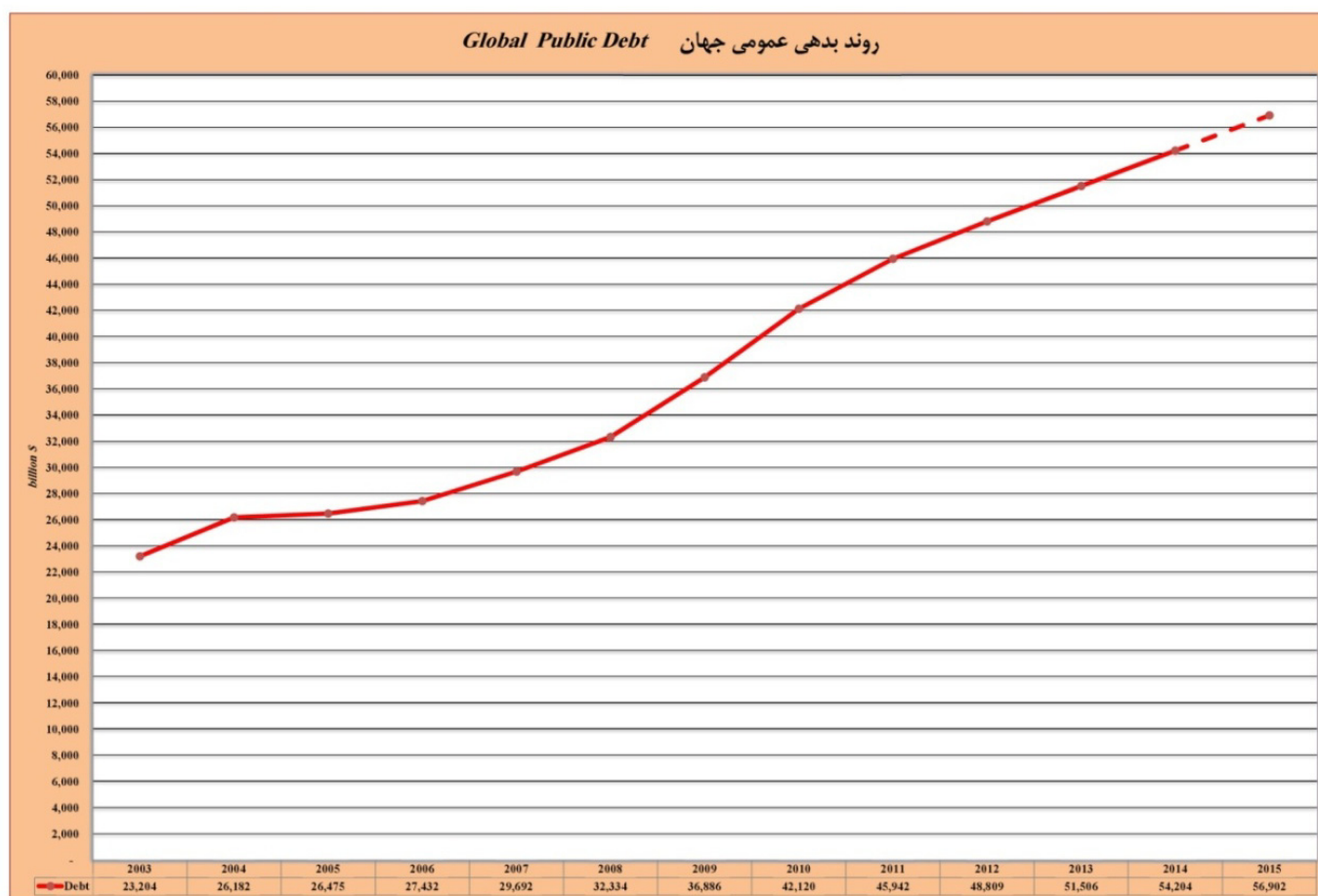
استراتژی جمهوری اسلامی باید بر گفتمان‌سازی جهانی، منطقه‌ای و ملی انگاره‌ی چهارم (تهاجمی) در شکل‌گیری نظم جهانی معطوف باشد.

۲- فروپاشی اقتصاد جهانی

اقتصاد دلارپایه‌ی جهان در سال پایه‌ی برنامه‌ی ششم (۱۳۹۴/۲۰۱۵) بیش از ۵۷ تریلیون دلار بدهی عمومی دارد.[۱]



این عدد که به مراتب از درآمد کل کشورهای جهان بیشتر است، عمدتاً مربوط به اقتصادهای برتر (آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا، ژاپن، کانادا، استرالیا و غیره) است و با توجه به نرخ افزایش آن در ۱۲ سال گذشته، پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۳۹۹ به ۷۲ تریلیون دلار برسد.



سیل انتقادهای جهانی از سوی دانشمندان، روشنفکران، مدیران و سیاستمداران به مدل‌های اقتصاد لیبرالیستی، موج فزاینده‌ای یافته است. اما آنچه حائز اهمیت است، این‌که هنوز الگوی جایگزینی برای لیبرالیسم اقتصادی تبیین نشده است.

۳- تغییرات زیست‌بوم جهانی

سرعت تغییرات زیست‌بوم جهانی، نابودی گونه‌های جانوری، اسراف منابع کربن زمین و تغییرات دمایی، موقعیت جلدی سیاره را به مخاطره انداخته و به مرور بر حیات بشر و ساخت و بافت اجتماعی کشورها و قاره‌ها تأثیر گذارده و بنیه‌ی آن‌ها را ضعیف می‌سازد. بخشی از «امنیت جهانی پایدار» معطوف به محیط‌زیست جهانی پایدار است. ناپایداری محیط‌زیست جهانی در این دوره، در طول تاریخ کم سابقه است.

الف - ضرورت انطباق تکنوسفر با بیوسفر

بیوسفر *Biosphere* پوسته و سطح زمین و هم‌چنین جو (اتمسفر) آن است. در واقع بیوسفر ضامن و محیط نگه-دارنده‌ی حیات و زندگی در این سیاره است. در یک سده‌ی اخیر بشر با فعالیت‌های صنعتی - عمرانی خود بیوسفر

را آسیب‌پذیر کرده است. منابع از زیر زمین به روی آن آورده و در سطح آن توزیع یا مصرف شده است. چرخه‌ی حیات گیاهان و حیوانات در خشکی و دریا، به مرور دچار اختلال شده است. لایه‌ی روی پوسته‌ی زمین در سه بخش آب‌ها، خاک‌ها و یخ‌ها (در دو قطب شمال و جنوب) به سرعت در حال اضمحلال و انحطاط است؛ آلودگی آب‌ها، فرسایش خاک‌ها و ذوب یخ‌ها، تا سال ۱۴۴۴ پوسته‌ی زمین را به عنوان بستر حیات موجودات، ناتوان می‌کند. قرآن مجید در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی روم هشدار لازم را فرموده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (پدیدار شد فساد در خشکی و دریا، به سبب آنچه به دست مردم کسب شد).

این تغییرات سریع در پوسته‌ی کره‌ی زمین معلول عصر صنعتی قرن‌های ۱۸ و ۱۹ و عصر تکنولوژیک قرن‌های ۲۰ و ۲۱ است. در واقع امروز در پوسته‌ی کره‌ی زمین سپهری به نام تکنوسفر پدید آمده است. تکنوسفر *technosphere* روبنایی در پوسته‌ی زمین است که انسان آن را به وسیله‌ی نیروی ابتکار خود ایجاد کرده است. جاده‌ها و اتومبیل‌ها، راه‌های آهن و قطارها، بنادر و کشتی‌ها، فرودگاه‌ها و هواپیماها، سدها و نیروگاه‌ها، کارخانه‌ها و تأسیسات، تکنولوژی نظامی و بمب‌های اتمی، برج و آسمان‌خراش‌ها، همه و همه در یک زنجیره‌ی کلی، تکنوسفر را تشکیل می‌دهند. تکنوسفر به علت پیشرفت روزافزون تکنولوژی، یک ترقی انگل‌وار در درون بیوسفر داشته و دارد. حیات تکنوسفر از این رو انگلی است که به مرور بدن مادر خود «بیوسفر» را می‌خورد و مصرف می‌کند. متأسفانه هیچ تلاش مشخصی برای انطباق ترقی تکنوسفر با ظرفیت بیوسفر صورت نمی‌گیرد.

ب - ضرورت انطباق اوایل سفر با بیوسفر

اوایل سفر *Oilsphere* سپهر نفتی موجود در سطح کره‌ی زمین است که عامل اساسی پیدایش و ترقی تکنولوژی و در نتیجه تکنوسفر است. در واقع تکنوسفر به وسیله‌ی اوایل سفر پیشرفت کرده و به مرور بیوسفر را منهدم می‌کند. شتاب چرخه‌ی اوایل سفر - تکنوسفر، هنگامی متوقف می‌شود که یکی از این دو از مدار خارج شود. ظاهراً تکنولوژی از مدار خارج نمی‌شود، اما نفت به دلیل کاهش ذخایر آن، احتمالاً در افق ۱۴۴۴ به مرور از این چرخه خارج شده و حذف شود. پرسش این است: آیا با خروج نفت از این چرخه، روند تکنوسفر در سطح سیاره کند می‌شود؟

پ - تکنوسفر هنگامی با بیوسفر منطبق می‌شود که اوایل سفر کاهش یابد. اما تا آن روز، فاجعه‌ی زیست‌محیطی شکل گرفته است؛ جمعیت جهان تا سال ۱۴۰۴ نزدیک ۹ میلیارد نفر و در ۱۴۱۴ از مرز ۱۰ میلیارد نفر می‌گذرد. بیوسفر زمین تحمل این روند تخریب تکنولوژیک را ندارد. در سطح سیاره، قشری نازک از نفت و فراورده‌های آن کشیده شده است. شیوع پدیده‌ی پلاستیک در سطح زمین، اصطلاح «تمدن پلاستیکی» را از سوی کارشناسان رقم زده است. البته هنوز هیچ کارشناسی از مخاطرات نانوتکنولوژی بر بیوسفر آگاه نیست.

ت - برای انطباق تکنوسفر با بیوسفر باید به مفهوم «بیوتکنوسفر» *Bio technosphere* پرداخت که به این معنی است: «تکنولوژی در چهارچوب ظرفیت و تحمل بیوسفر گسترش یابد.»

ث - برای انطباق اوایل سفر با بیوسفر نیز باید به مفهوم «بیواویل سفر» *Bio oilsphere* پرداخت که به این معنی است: «سپهر نفتی تمدن در چهارچوب ظرفیت و تحمل بیوسفر سیاره گسترش یابد.» در واقع باید پرسید راه مصرف صحیح نفت در سطح سیاره به گونه‌ای که به بیوسفر آن صدمه نزد چیست؟

ج - آمریکا و برخی هم‌پیمانانش در ناتو، بر روی پدیده‌ی تغییر اقلیم در جنگ‌های محیطی، فعالیت پژوهشی گسترده‌ای را انجام می‌دهند: ایجاد تغییرات آب و هوایی، ایجاد زلزله، ایجاد سونامی و مواردی از این نمونه، اهدافی است که آمریکا در پروژه‌های متعدد جنگ‌های نوین محیطی - اقلیمی، بیوسفر را بیش از پیش حساس و آسیب‌پذیر می‌سازد.

چ - وجود بیش از ۲۷۰۰۰ کلاهک اتمی در هشت کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین، هند، پاکستان، کره‌ی شمالی و هم‌چنین در رژیم غاصب صهیونیستی، خطرناک‌ترین مصداق تکنوسفر در تخریب و انحطاط بیوسفر زمین است. این تعداد کلاهک اتمی می‌تواند ۲۷ بار پوسته‌ی کره‌ی زمین را چنان تخریب کند که امکان حیات در آن ناپود شود. جامعه‌ی بشری برای این خطر باید تدبیری بیاندیشد.

ح - چین و آمریکا بزرگ‌ترین آلوده‌کنندگان هوا در سطح کره‌ی زمین هستند. این دو کشور، این روند آلوده-سازی را در افق ۱۴۴۴ حفظ نموده و ارتقا می‌بخشند.

خ - از این رو، در افق ۱۴۰۴ و سپس ۱۴۴۴، در طول برنامه‌ی ششم پیش‌رفت باید سهم انسان ایرانی را در بیوتکنوسفر و بیواویل سفر مشخص کرد: انسان مسئول در قبال محیط زیست نسل‌های آینده.

فصل دوم

گزاره‌های بین‌المللی

گزاره‌های بین‌المللی

۱- تغییرات ژئوپلیتیکی

در عرصه‌ی بین‌المللی، به ویژه در جهان اسلام، تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ویژه‌ای از سوی استعمار جهانی پیگیری می‌شود: پس از حدود صد سال که از اقدامات دو فرد فرانسوی و انگلیسی (پیکو^۱ و سایکس^۲) در تنظیم و ترسیم نقشه و مرزهای کشورهای جنوب غرب آسیا می‌گذرد، مجدداً نقشه و مرزهای همین کشورها را آماج طرح‌ها و تغییرات موردنظر خود قرار داده‌اند؛ از این رو، مقاصد شوم استعمار جهانی در تجزیه‌ی کشورهای اسلامی در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، موقعیت ویژه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورد که نباید از وقوع و پیامدهای آن غافل شد. آمریکا با پشتیبانی اتحادیه‌ی اروپا و در راستای سیاست‌های رژیم صهیونیستی، نقشه‌ی تجزیه‌ی کشورهای اسلامی را منتشر کرده است: [۲]

الف- تجزیه‌ی عراق	ب- تجزیه‌ی سوریه	پ- تجزیه‌ی لبنان
ت- تجزیه‌ی اردن	ث- تجزیه‌ی عربستان	ج- تجزیه‌ی یمن
چ- تجزیه‌ی پاکستان	ح- تجزیه‌ی افغانستان	خ- تجزیه‌ی مصر
د- تجزیه‌ی لیبی		

1- Francois Gorges-Picot
2- Sir Mark Sykes

How 5 Countries Could Become 14

Analysis by ROBIN WRIGHT

Slowly, the map of the Middle East could be redrawn.

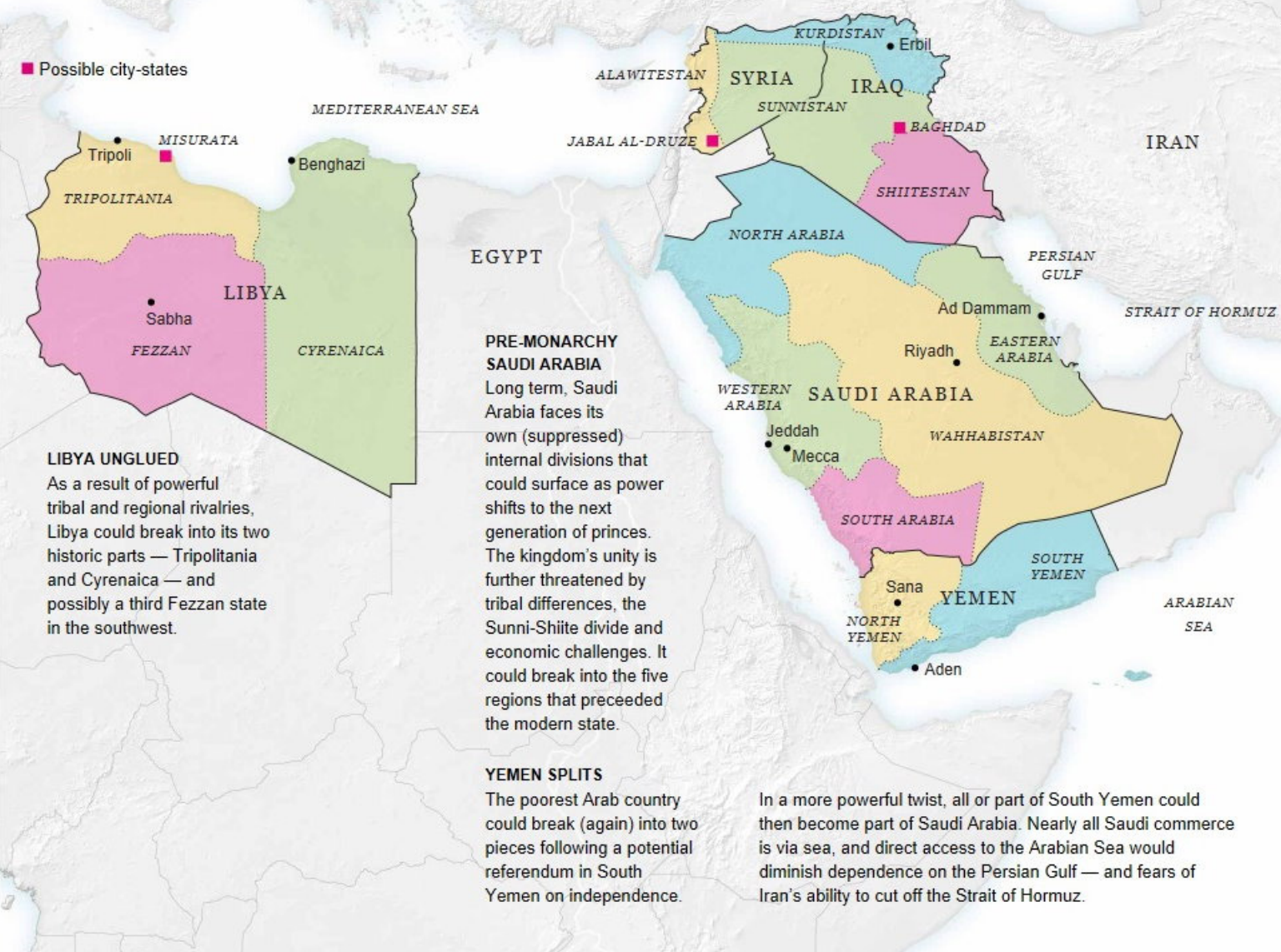
SYRIA: THE TRIGGER?

Sectarian and ethnic rivalries could break it into at least three pieces:

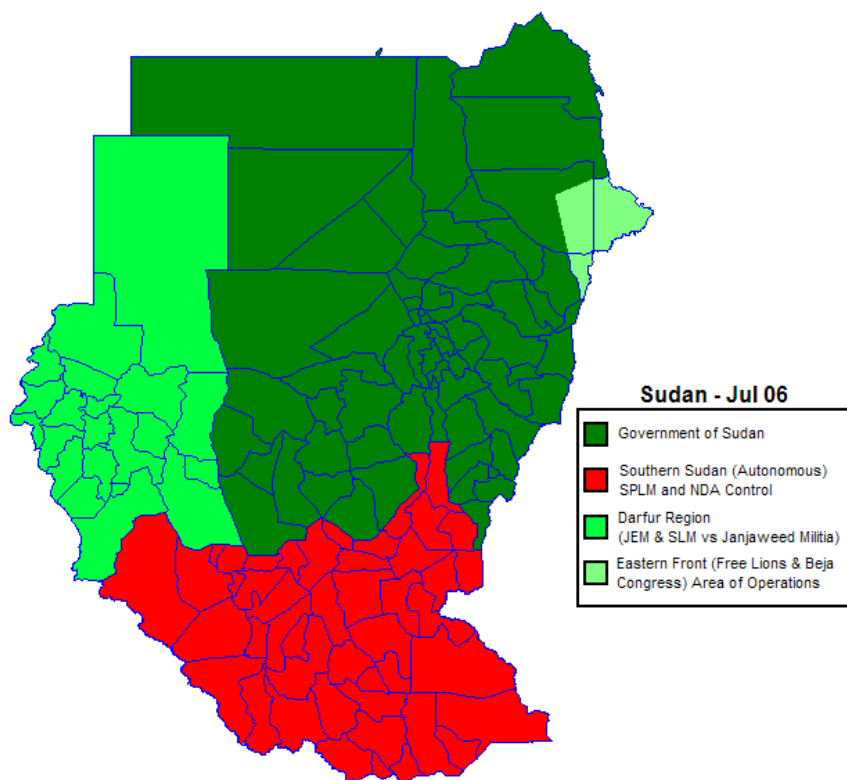
1. **Alawites**, a minority that has controlled Syria for decades, dominate a coastal corridor.
2. **A Syrian Kurdistan** could break off and eventually merge with the Kurds of Iraq.
3. **The Sunni heartland** secedes and then may combine with provinces in Iraq to form Sunnistan.

SPILLOVER TO IRAQ

In the simplest of several possibilities, northern Kurds join Syrian Kurds. Many central areas, dominated by Sunnis, join Syria's Sunnis. And the south becomes Shiitistan. It's not likely to be so clean.



در دهه‌ی اخیر، پس از جدا نمودن تیمور شرقی از کشور اسلامی اندونزی و تجزیه‌ی سودان جنوبی از کشور اسلامی سودان که مجموعاً منطقه‌ای بیش از وسعت کشور فرانسه از سرزمین‌های جهان اسلام جدا شد، اکنون در میانمار و آفریقای مرکزی - که مسلمانان در اقلیت هستند - نیز مسلمان‌زدایی از آن سرزمین‌ها ادامه دارد.



دو اقدام «تغییر مرزها و تجزیه‌ی کشورها» و «راندن اقلیت‌های مسلمان از سرزمین خود»، مستقیم و غیرمستقیم در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت، بر سیاست‌های جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارد؛ در نتیجه، در طول برنامه‌ی ششم، جمهوری اسلامی ضمن این‌که نباید نسبت به این اهداف شوم بی‌تفاوت باشد، همچنین نباید غافل‌گیر شود و منفعل بماند.

۲- بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در چهار سال اخیر به سقوط دولت‌های مصر، لیبی، تونس و یمن انجامید؛ انقلاب یمن ناکام ماند اما کماکان ادامه دارد؛ انقلاب مصر و لیبی منحرف شد؛ اما انقلاب بحرین، همچنان در جریان است. سوریه خطر تکفیری‌ها را تا حدودی دفع کرده است. عراق عمیقاً در فتنه‌ی تکفیری‌ها درگیر است. پیروزی مردم غزه در نبرد ۵۱ روزه در تابستان ۱۳۹۳ مجدداً بیداری اسلامی را شعله‌ور ساخت. در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی، بیداری اسلامی سه مرحله‌ی دیگر را از سر می‌گذراند:

الف- مرحله‌ی سقوط دولت‌های استبدادی- ارتجاعی، مانند عربستان و بحرین و برخی دیگر:

عربستان در تغییرات سیاسی پس از ملک سلمان و سعود الفیصل (که هر دو کهن‌سال

هستند) دوران دشواری را پیش رو خواهد داشت. انزوای فرقه‌ی وهابی - تکفیری در جهان اسلام، انزوای ایدئولوژیک عربستان در دهه‌ی جاری را در پی دارد.

ب- مرحله‌ی شفافیت تشخیص اسلام ناب از فرقه‌های انحرافی، مانند وهابیت: بیداری اسلامی، یک وجه درونی و یک زایمان دردناک را می‌گذرانند؛ پاسخ به این پرسش که کدام اسلام اصیل است و قدرت انطباق شرایط را با خود دارد؛ پاسخ به این پرسش که کدام اسلام می‌تواند و کدام اسلام توانست جامعه را در عصر مدرن مدیریت کند. این پاسخ‌ها در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی تعمیق می‌یابد و از مرحله‌ی شور و هیجان، به مرحله‌ی معرفت و شعور می‌رسد؛ جمهوری اسلامی برای این مرحله باید برنامه‌ی مشخص داشته باشد و در عمق‌بخشی معرفتی به جریان بیداری اسلامی بکوشد. این مرحله، موجب معرفی حقانیت جمهوری اسلامی در نسبت با اسلام آمریکایی ترکیه و اسلام تکفیری عربستان خواهد شد. در این مرحله، هم‌چنین جمهوری اسلامی باید تکفیریون شیعه و «عمامه»‌های انگلیسی را افشاء و منزوی کند. بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، مقطع مهم افشاء و تقبیح صهیونیست‌های مسلمان، اعم از سکیولارهای مسلمان، تکفیریون سنی و تکفیریون شیعه است.

ج- مرحله‌ی تقریب مذاهب اسلامی: آمریکا مبتنی بر تجربه‌ی جنگ‌های سی ساله‌ی مذهبی پس از قرون وسطی در متن قاره‌ی اروپا، بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در آلمان و فرانسه، در صدد تعمیق جنگ‌های مذهبی در سطح جهان اسلام است. جرج فریدمن در سال ۱۳۸۸ به صراحت از این نیت بی‌ثبات - سازی آمریکا در جهان اسلام پرده برداشت: «آمریکا به صورتی هوشمند به اهداف استراتژیک خود رسید، اما باید دانست که نیت اصلی او جلوگیری از خیزش نیرویی قدرتمند در اوراسیا است. ناسازی در این است که هدف این میانجی‌گری‌ها [مداخلات] نه ایجاد ثبات، که بر هم زدن ثبات بوده است. قصد ایالات متحد بر هم زدن آرامش در مناطقی است که در آن احتمال ظهور یک ابرقدرت می‌رود. هدف ایالات متحد بر هم زدن ثبات در هر ناحیه است و نه برقراری ثبات و آرامش در آن. اکنون با این استدلال بهتر می‌توانیم نحوه‌ی برخورد آمریکا با اسلام‌گراها را دریابیم. هدف آمریکا جلوگیری از ظهور کشوری اسلامی و بزرگ و نیرومند است. منافع ایالات متحد ایجاب نمی‌کند که در اوراسیا آرامش برقرار باشد. هم‌چنین ایالات متحد منافع خود را در این نمی‌بیند که جنگ را خیلی زود به پایان برساند. مقصود از برانگیختن این کشمکش‌ها ایجاد سد در برابر قدرتی محلی، و یا بی‌ثبات کردن آن ناحیه است؛ تحمیل ثبات به منطقه از اهداف آمریکا نیست. در سراسر قرن بیست و

یکم، اصل کاربرد کمترین قوا برای حفظ تعادل در اوراسیا همیشه نیروی محرکه‌ی سیاست خارجی آمریکا باقی خواهد ماند. ... تا زمانی که جهان اسلام در آشوب باشد و توان رسیدن به یک‌پارچگی را نداشته باشد، یعنی این که آمریکا به اهداف استراتژیک خود رسیده است. دستاورد انکارناپذیر آمریکا از سال ۲۰۰۱ [واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر] تاکنون ایجاد آشوب در جهان اسلام ... و شکل دادن به شاخه‌های هراس‌افکنان بیشتر بوده است. با این همه، آنچه در ناحیه‌ی مسلمان‌نشین زمین‌لرزه ایجاد کرده است به صورت یک ابرقدرت در نخواهد آمد. در واقع، این ناحیه بیش از پیش در هم ریخته و تکه‌تکه شده است. همین امر پرونده‌ی این دوره را می‌بندد. شاید نتیجه‌ی جنگ در عراق و افغانستان شکست آمریکا یا بن‌بست باشد. این هر دو جنگ به ظاهر برای آمریکا بد تمام شده است، اما این‌ها همه در نظرگاهی وسیع‌تر خالی از اهمیت است، زیرا پیروزی آمریکا در این است که مسلمانان به جان یک‌دیگر بیافتند، و مسلمانان به جان یک‌دیگر افتاده‌اند.» [۳]

استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، استراتژی خنثی‌سازی طرح فتنه‌های فرقه‌ای است. تقریب مذاهب اسلامی در سطح نخبگان و علمای جهان اسلام از یک سو و در سطح عموم مسلمین از سوی دیگر، آماج اصلی بیداری اسلامی در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت است. استراتژی عمومی تقریب مذاهب، نسخه‌ی درمان تکفیر و تفریق در جهان اسلام محسوب می‌شود. غرب با تجویز و اشاعه‌ی تکفیر و تفریق، به استراتژی تقریب مذاهب اسلامی حمله کرد. باید این حمله را شناخت و ضد استراتژی را اعمال نمود.

۳- دیپلماسی انقلاب اسلامی

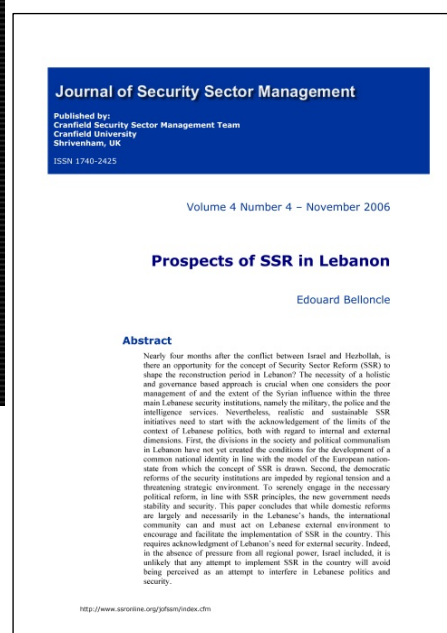
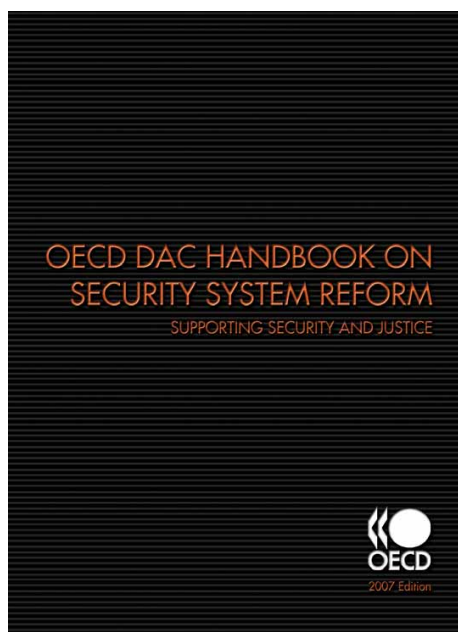
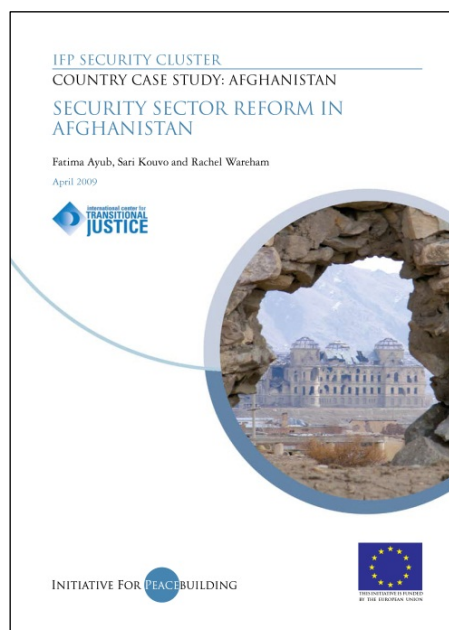
غرب اصرار دارد که روش اقدام خود علیه شوروی را علیه جمهوری اسلامی نیز پیاده کند. آمریکا ابتدا شوروی را از سطح ایدئولوژیک به سطح استراتژیک کشاند و سپس در سطح استراتژیک او را به چالش کشید. آمریکا اکنون اصرار دارد که جمهوری اسلامی از سطح ایدئولوژیک به سطح استراتژیک نزول کند و در سطح استراتژیک، مانند انرژی هسته‌ای، یا حتی توان موشکی بالستیک (هم‌چون شوروی) به کشمکش با آمریکا سرگرم شود. دیپلماسی انقلاب اسلامی دو سطح متمایز دارد: سطح ایدئولوژیک و سطح استراتژیک. جمهوری اسلامی، هیچ‌گاه گزاره‌های ایدئولوژیک خود را در سطح استراتژیک به مذاکره نمی‌گذارد.

چالش ایدئولوژیک آمریکا با ایران، چالش اساسی نئوپاگانیسم و نئولیبرالیسم با اسلام است. پرونده‌ی هسته‌ای یا محاصره‌ی اقتصادی، چالش‌های استراتژیک هستند. دستگاه دیپلماسی رسمی جمهوری اسلامی باید مراقب باشد

که میان سطح ایدئولوژیک با سطح استراتژیک «خلط» نکند. چالش‌های استراتژیک ایران و آمریکا در پروژه‌های متعددی بروز می‌کند:

الف- پروژه‌ی SSR ایران، عراق و سوریه

آمریکا تلاش می‌کند که در سوریه و ایران پروژه‌ی *SSR (Security Sector Reform)* را اجرا کند. (پیوست دوم) تحریم‌های اقتصادی بخشی از پروژه‌ی *SSR* هستند. روند و ابعاد این پروژه باید برای مدیران جمهوری اسلامی معرفی شده و آن را ناکام گذارند. ممانعت از *SSR* آمریکا یکی از شاخص‌های ارزیابی برنامه‌ی ششم پیشرفت است.



ب- پروژه‌ی DDR مقاومت اسلامی لبنان، فلسطین و انصارالله یمن

آمریکا پروژه‌ی *DDR (Disarmament, Demobilization, Reintegration)* حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی را از طریق سازمان ملل پی‌گیری می‌کند. [۴] روند و ابعاد پروژه‌ی *DDR* علیه مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین باید معرفی و افشاء گردد و از تحقق آن جلوگیری شود. (پیوست سوم)



پ- پروژه‌ی DDR تکفیریون

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، در یک دیپلماسی ضدتروریستی فعال در منطقه و جهان، پروژه‌ی DDR تکفیریون سنی و شیعه را مدیریت کند: داعش، القاعده، النصره و بوکوحرام نمونه‌های شاخص آن هستند.

ت- پروژه‌ی SSR رژیم صهیونیستی

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، در یک دیپلماسی ضدتروریستی فعال در منطقه و جهان، پروژه‌ی SSR رژیم صهیونیستی را مدیریت کند.

ث- پروژه‌ی SSR آمریکا

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، در یک دیپلماسی فعال ضداستکباری، در برابر پروژه‌ی SSR آمریکا علیه ایران، پروژه‌ی SSR آمریکا را در جهان به گفت‌وگو تبدیل کند.

فصل سوم

گزاره‌های ملّی

گزاره‌های ملی

مقدمه

افق کوتاه‌مدت ۱۴۰۴، افق میان‌مدت ۱۴۱۴ و افق بلندمدت ۱۴۴۴، حکایت می‌کند که ماهیت بسیاری از گزاره‌های اجتماعی کنونی پذیرفته شده در ۱۳۹۴ کاملاً تغییر می‌کنند. تغییر در ماهیت فقر به دلیل شیوع «گران‌زیست»، تغییر در ماهیت مناسبات اجتماعی، به دلیل شیوع شبکه‌های اجتماعی مجازی، تغییر در ماهیت زیست با شیوع زندگی دوم یا زندگی مجازی در فضای سایبر، تغییر در ماهیت جاسوسی به دلیل شیوع بهره‌گیری از اینترنت، تغییر در ماهیت دموکراسی، تغییر در ماهیت سیاست، تغییر در ماهیت قدرت، تغییر در ماهیت پول، تغییر در ماهیت تولید، تغییر در ماهیت جنگ، تغییر در ماهیت تروریسم و تغییر در ماهیت مرز، نمونه‌های بارز این تغییرات هستند. آینده‌شناسی مطلوب از راه درک صحیح این تغییرات محتمل می‌گذرد.

بخش یکم: صلابت قدرت در نسبت با سرمایه‌ی ملی

تبیین نسبت سرمایه‌های گوناگون با قدرت ملی، یک اصل ضروری است. مؤلفه‌های سه‌گانه‌ی دانستن، خواستن و داشتن، مؤلفه‌های قدرت هستند. مثلث دانستن، خواستن و داشتن، به عنوان مثلث «توانستن»، در واقع همان «سرمایه» است. تنظیم نسبت «سرمایه‌ی ملی» با «صلابت قدرت ملی» در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت و در افق ۱۴۱۴ از این حیث حائز اهمیت است. نکته‌ی مهم این است که مثلث قدرت در «نهاد» با مثلث قدرت در «سازمان» تفاوت ماهوی دارد؛ سرمایه‌ی سازمانی، یک سرمایه‌ی ارگانیکی است، اما سرمایه‌ی نهادی، سرمایه‌ای فطری و جوهری است.

۱- توانستن (قدرت) برآیند مثلث دانستن، خواستن و داشتن معرفی شده است. توانستن (قدرت) همان سرمایه

است. تولید توانایی، تولید سرمایه است. نهادها از حیث مناسبات توانایی (قدرت) به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف - نهادهایی که از توانایی و سرمایه‌های بیرون از خود بهره می‌برند و عملاً به سرمایه‌های بیرونی

وابسته هستند و قدرت آن‌ها عاریتی است؛ مانند یک خانه‌ی مسکونی که از برق شبکه‌ی سراسری بهره می‌برد.

ب - نهادهایی که از توانایی و سرمایه‌های درونی خود بهره می‌برند و خودکفا هستند. این نهادها خود مولد قدرت و سرمایه هستند و سرمایه و قدرت تولیدی خود را به کار می‌گیرند؛ مانند یک خانه‌ی مسکونی که از انرژی موتور برق شخصی خود بهره می‌برد.

پ - نهادهای هوشمند، که هم از توان بهره‌گیری از سرمایه و قدرت تولیدی خود بهره‌مند هستند، و هم امکان بهره‌گیری از توان و سرمایه‌های بیرونی را دارند. طراحی نهاد و جامعه‌ی هوشمند، طراحی جامعه‌ی بهره‌مند از ظرفیت به‌کارگیری توان و سرمایه‌ی درونی، و توان و سرمایه‌ی بیرونی به گونه‌ای توأمان است؛ مانند یک خانه‌ی مسکونی که هم از موتور برق شخصی استفاده می‌کند و هم از برق شبکه‌ی سراسری بهره می‌برد.

۲- انتقال قدرت از غرب به شرق

در سال‌های اخیر، بارها سازمان CIA در گزارش‌های آینده‌شناسی خود بر این ترند تأکید کرده است که قدرت از غرب به شرق منتقل می‌شود؛ یعنی شرق از غرب توانمندتر شده، و در واقع تولید قدرت - تولید سرمایه - در شرق، در مرتبه‌ای بالاتر از توان غرب در تولید قدرت - تولید سرمایه - قرار می‌گیرد. پرسش این است: آیا این شرق، چین است؟ هند است؟ ژاپن است؟ اندونزی است؟ یا ایران می‌تواند باشد؟ **مزیت‌های نسبی و مطلق ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی چیست؟ مزیت‌های نسبی مادی و فرهنگی و سیاسی و جغرافیایی ایران از یک سو، و مزیت مطلق توان تولید نرم‌افزار اداری جهان از سوی دیگر.** سیستم‌عامل مارکسیسم که ناکارآمد بود و در نتیجه کنار گذاشته شد و سیستم‌عامل لیبرالیسم هم برای اداره‌ی جهان ناتوانی خود را عمیقاً بروز داده است. الگوی اسلامی - ایرانی، سیستم‌عامل جای‌گزین مارکسیسم و لیبرالیسم در اداره‌ی جهان است. نکته این جاست که الگوی اسلامی - ایرانی سیستم‌عامل، هنوز در ایران جاری و ساری نشده است. دولت‌های لیبرال و تکنوکرات موجود در ایران در ۲۵ سال اخیر، عمیقاً در برابر نظام‌سازی اسلامی مقاومت کرده‌اند. البته این مقاومت بیهوده است، زیرا هم‌زمان با فروپاشی و اضمحلال سیستم‌های لیبرال در غرب، این سیستم‌ها در ایران نیز ناکارآمدی خود را به مرور به نمایش می‌گذارند. تاکنون غالباً ضعف‌های دولت‌ها را به پای مدیران سطوح مختلف دولت می‌نوشتند، اما امروز بر همگان روشن شده است که مدل‌های نظری و سیستم‌های اجرایی لیبرالی پیاده شده در اقتصاد و فرهنگ موجود است که ناکارآمد و منحط است. باور این که هیچ کشوری - از چین و ژاپن، تا روسیه و آلمان و انگلیس و آمریکا - توان تولید سیستم‌عامل و مدل اداره‌ی جامعه را در فردای پسامارکسیسم و پسالیبرالیسم ندارد، و این تنها ایران است که می‌تواند از ترکیب سه حوزه‌ی اسلام، ایران و دستاوردهای خرد بشری، سیستم‌عامل نوینی برای اداره‌ی جهان ارائه کند، باوری است که بیش از نخبگان ایران، در نخبگان غرب و شرق شکل گرفته و به مطالبه تبدیل شده است. **مهم این است که تولید سیستم‌عامل جهانی به یکی از ترندهای ۱۴۱۴ تبدیل شده است.**

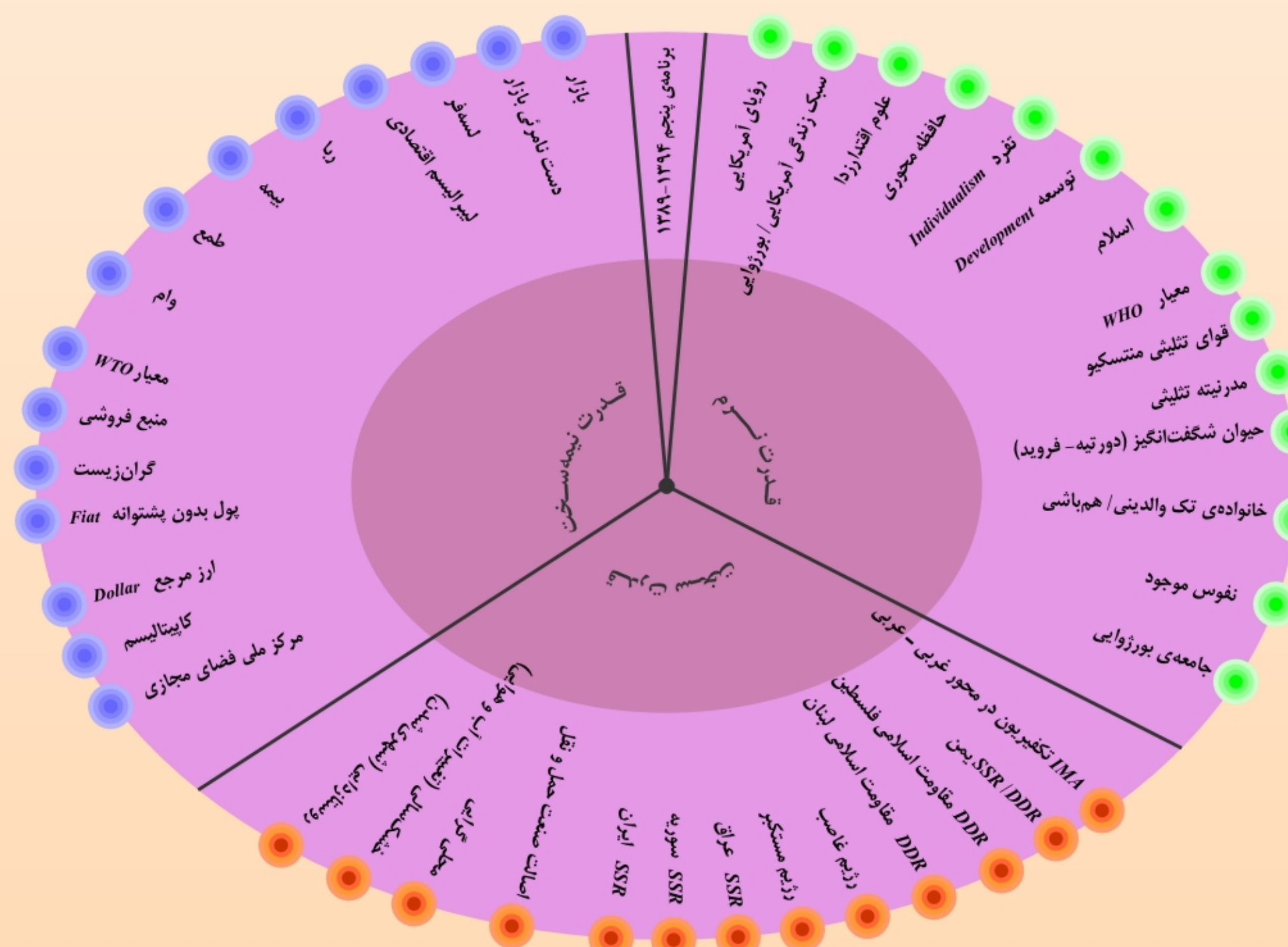
بخش دوم: ترازایی قدرت ملی

ترازایی قدرت ملی، در سه حوزه‌ی صلابت نرم، نیمه‌سخت و سخت، به اشکال گوناگون امکان‌پذیر است. یک وجه مهم در ترازایی، تبیین قدرت ملی مبتنی بر فرانمای روندها در یک افق مشخص است.

نسبت سرمایه‌های ملی با صلابت قدرت

صلابت قدرت			
قدرت سخت	قدرت نیمه‌سخت	قدرت نرم	
*	*	*	سرمایه انسانی
		*	سرمایه ایمان
		*	سرمایه معرفت
		*	سرمایه علم
		*	سرمایه ادب
		*	سرمایه سلامت
		*	سرمایه اجتماعی
		*	سرمایه سیاسی
		*	سرمایه ولایت
		*	سرمایه اعتباری
	*		سرمایه مالی
*			سرمایه فنی
	*		سرمایه سایبر
*			سرمایه محیطی
*			سرمایه ملکی
*			سرمایه عمرانی
*			سرمایه دریایی

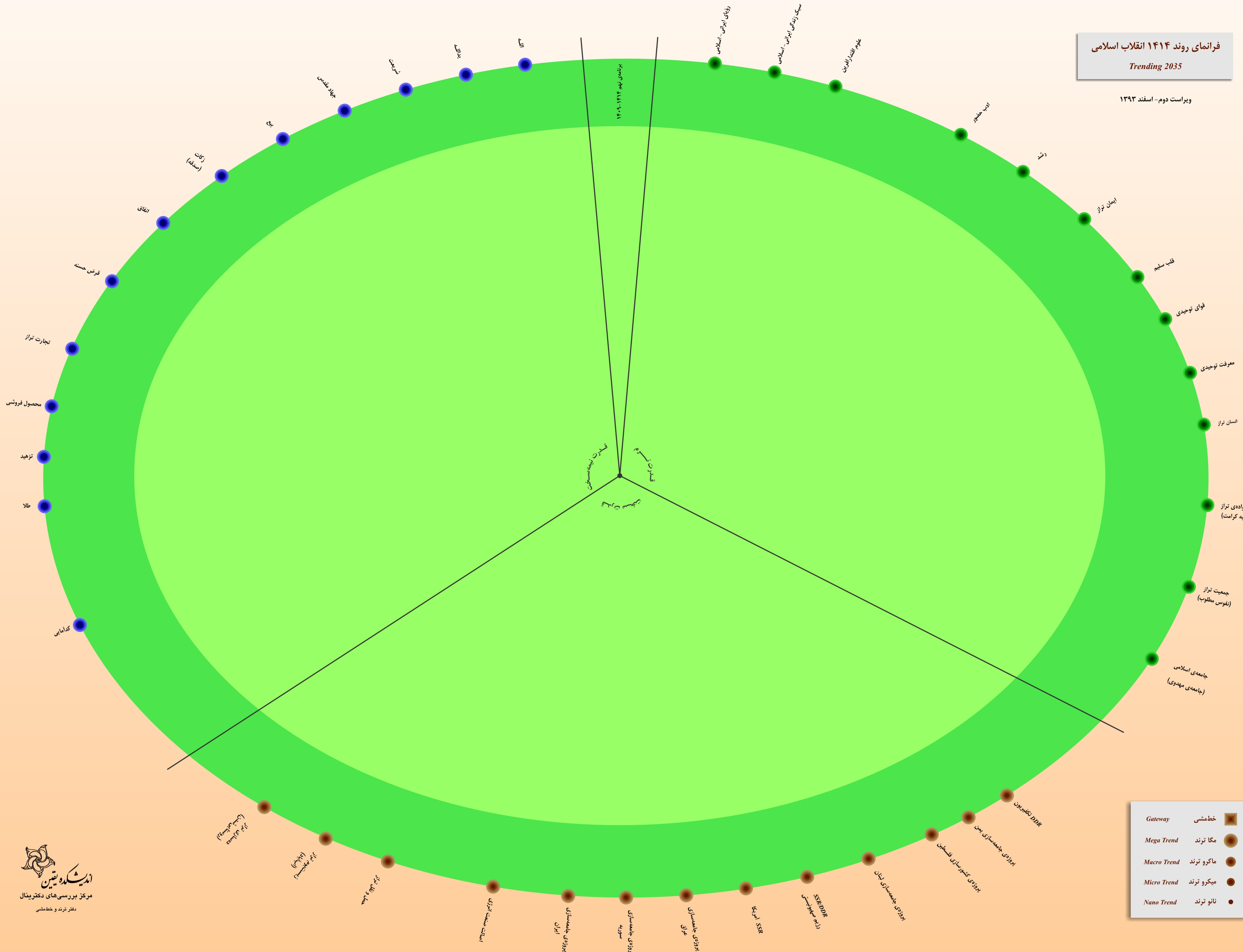
در این وجه، ابتدا ترازیبی موضوعات گوناگون به عنوان وضع مطلوب انجام می‌شود. سپس همان وضع مطلوب به عنوان وضع تراز، در ترازیبی قدرت ملی معرفی می‌شود. در این روش، فرض بر این است که هر یک از موضوعات تراز (در وضع مطلوب) که محقق گردند، قدرت تراز در موضوع مربوطه را رقم می‌زنند. این روش، ساده‌ترین راه برای رسیدن به شاخص‌های «استحکام درونی» نظام ملی هر جامعه و تمدنی است. در نتیجه ترازیبی قدرت با نقشه‌ی فرانمای روند(ترند)ها منطبق می‌شود. به بیان صریح‌تر، در این روش، نقشه‌ی ترازیبی قدرت، همان نقشه‌ی فرانمای روندهاست.



فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی
Trending 2035

فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی
Trending 2035

فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی
Trending 2035

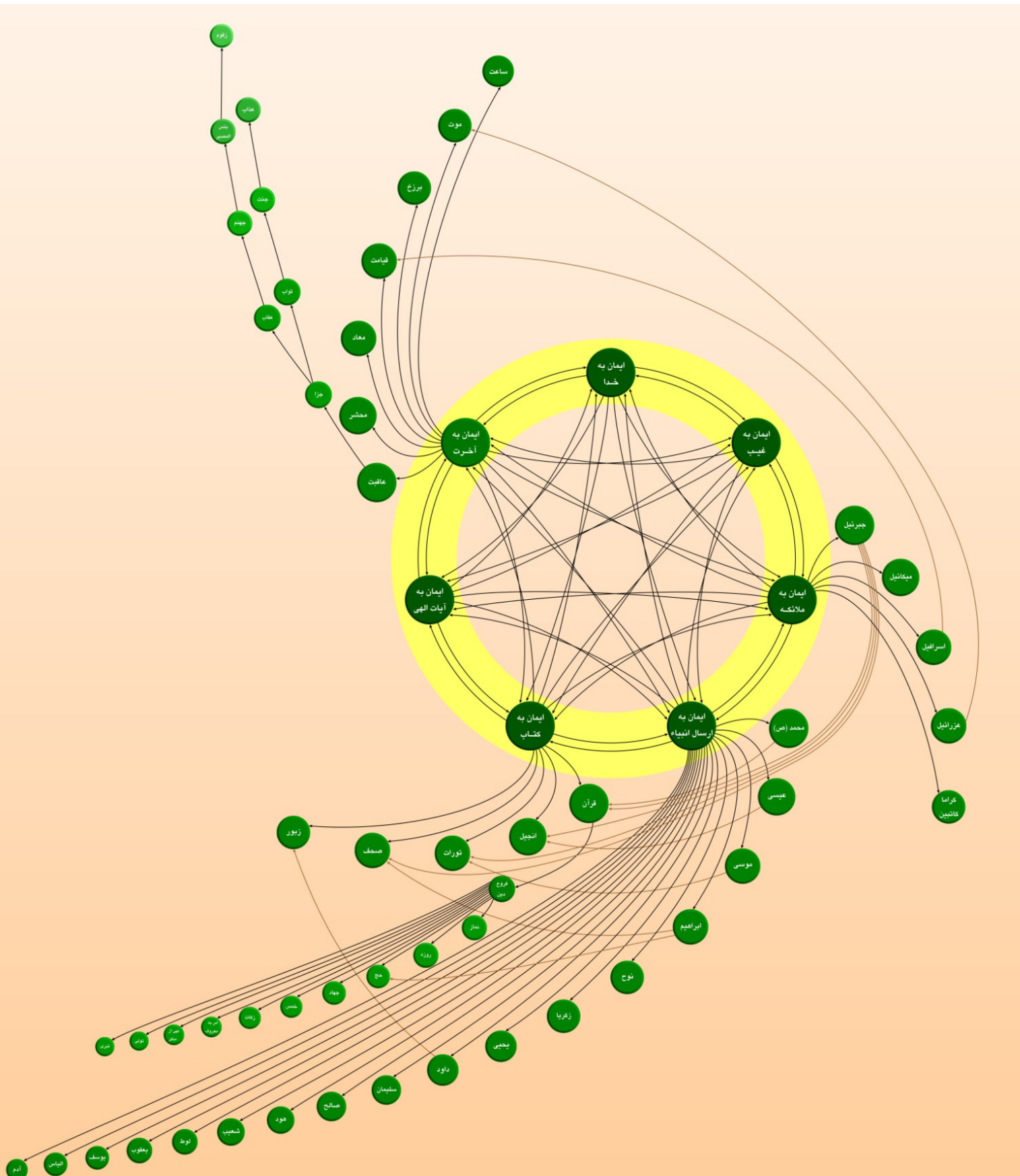


بخش سوم: حوزه‌ی قدرت نرم

۱- سرمایه‌ی ایمان

متعلقات هفت‌گانه‌ی ایمان قرآنی (ایمان به غیب، خدا، ملائکه، کتاب، انبیاء، آیت‌ها و آخرت)

(پیوست یکم) هیچ‌گاه مانند امروز مورد هجوم شیطان و جنود او نبوده‌اند.



امروز به گونه‌ای سازمان یافته هر هفت متعلق ایمان (جداگانه) تخریب می‌شوند؛ پیامد آن، تخریب باورهای دینی است و اگر از جامعه‌ی مسلمین، ایمان گرفته شود، عمل صالح آحاد آن جامعه نیز کارساز نخواهد بود، زیرا قرآن کریم ۶۵ بار عمل صالح را پس از ایمان کامل آورده است.

۱) فرسایش سرمایه‌ی ایمان، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت، ادامه خواهد یافت. از این‌روست که باید نخبگان و مسئولین را حساس و مردم را دغدغه‌مند نمود: تبیین این هفت متعلق برای توده‌ی مردم، سپس رصد تخریب هریک از متعلقات و آنگاه عمق‌بخشی و تقویت هر کدام از آن‌ها در سطح جامعه، سه اقدام هم‌زمان بازتولید سرمایه ایمان است.

* در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت، تشکیل مراکز و نهادهای اشاعه‌ی ایمان، با سنجه و سازوکار ارزیابی ضریب آن‌ها، ضروری است.

۲) اعلامیه‌ی جهانی «حق خدا» مشتمل بر ترندهای حق خالق، حق خلقت، حق مخلوق و حق اشرف مخلوقات، در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، تکمیل شده و به گفتمان عمومی تبدیل شود.

۲- سرمایه‌ی معرفت

معرفت اسلامی، معرفت توحیدی است، اما تهدید و رخنه‌ای که در حوزه‌ی قدرت نرم در معرفت اسلامی پدید آمده است، تثلیث و ثنویت است: تثلیث مستتر در علوم مدرن و ثنویت عریان^۱ در هنر. پیامد این رخنه، نابودی باور به توحید در آحاد جامعه اسلامی است. مبنای علوم انسانی که در دانشگاه‌های ایران تعلیم داده می‌شوند، غیر الهی، مادی و غیر توحیدی است.

سد رخنه و افشاء آن و تکیه بر معرفت توحیدی، با تعمیق آن در سطح جامعه، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی، یک ضرورت حیاتی است، زیرا خدشه در معرفت توحیدی در آحاد جامعه، موجب خدشه در سایر حوزه‌ها خواهد شد و قدرت نرم جمهوری اسلامی را به چالش می‌کشد. ریشه‌ی امنیت پایدار، در معرفت توحیدی است.

۳- سرمایه‌ی علم

جنبش تولید علم در ایران تحرک نسبی داشته و اکنون ایران پس از یک دوره‌ی ۳۰۰ ساله، واجد جامعه‌ی علمی است؛ اما سرمایه‌ی علمی در بازه‌ی برنامه‌ی ششم سه آماج‌گذاری مشخص را می‌طلبد:

۱- اندیشه‌ی ثنویتی «ین و یانگ» توسط هالیوود در هنر سینما و انیمیشن، در دهه‌ی اخیر شیوع عجیبی یافته است.

الف- دستیابی به علوم اقتدارآفرین

این که کشور ایران امروز واجد جامعه‌ی علمی است به این معنی نیست که همه‌ی این علوم، به اقتدار ایران اسلامی می‌افزایند؛ بلکه برعکس، برخی از این علوم، به ویژه در علوم انسانی با مبنای غیرتوحیدی [۵]، موجب اقتدارزدایی از ایران اسلامی هستند. علم اقتصاد مدرن که ذاتاً ربوی است، هر قدر ضریب نفوذ بیشتری در ایران داشته باشد، اقتدار اسلامی ایران را می‌زداید. تحول در علوم، با شاخص اقتدار آفرینی، در مقطع برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، باید پی‌گیری شود:

۱) علوم اقتدار آفرین انسانی

۲) علوم اقتدار آفرین پایه

۳) علوم اقتدار آفرین فنی

۴) علوم اقتدار آفرین زیستی

* نکته: مدرک‌گرایی مفرط در بازه‌ی برنامه‌ی ششم موجب اعتبارزدایی از دانشگاه و مدارک آن در میان عموم مردم می‌شود. این اعتبارزدایی، فرصتی طلایی است تا مجدداً دانشگاه و علم، عرصه‌ی جویندگان حقیقی معرفت و دانش گردد.

ب- دانشگاه حکمت‌بنیان

پس از دانشگاه‌های نسل یکم آموزش‌محور، نسل دوم پژوهش‌محور و نسل سوم کارآفرین، دانشگاه‌های نسل چهارم حکمت‌بنیان مطرح هستند. بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، فرصت مناسبی برای پایه‌گذاری نمونه‌های آزمایشی دانشگاه‌های حکمت‌بنیان است.

ج- دبستان حکمت‌بنیان

حرکت حکمت‌بنیان ضرورتاً باید از دبستان آغاز شود.

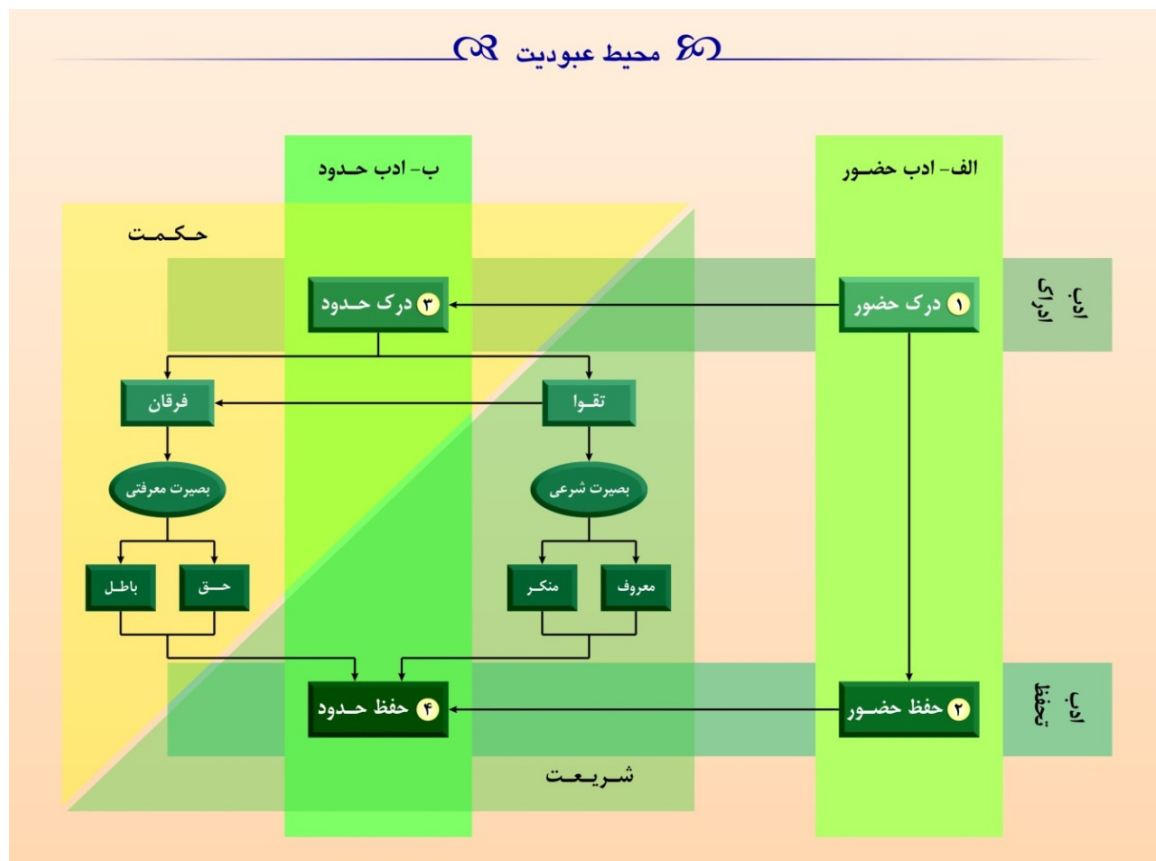
* نکته: سرمایه‌ی علمی، بخشی از قدرت نرم کشور است که در چهارچوبی حکمت‌بنیان، به اقتدارآفرینی منتج می‌شود.

۴- سرمایه‌ی ادب و تربیت

تفرد و پدیده‌ی فلسفی ایندیویژوالیسم *Individualism*، بیماری مهلک تربیتی قرن بیست و یکم میلادی است. این بیماری در جامعه ایران ناشناخته است، اما به سرعت در حال اپیدمی و فراگیر شدن است.

الف- ادب حضور

در تلقی هستی‌شناختی امام خمینی^(ره)، «ادب حضور» نسخه‌ی درمان و ویروس بیماری تفرد است [۶]. در برنامه‌ی ششم پیش‌رفت باید پدیده‌ی ایندیویژوالیسم رصد و ارزیابی شود و هم-زمان «ادب حضور» ترویج و تعمیق گردد. ادب حضور را می‌توان از مهدهای کودک و دبستان‌ها آغاز نمود. برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، باید بستر تحقق و نهادینه‌سازی ادب حضور شود.



ب- آموزش تراز

تحولات تکنولوژیک و بصری شدن عمده‌ی دریافت‌های معرفتی، یک انقلاب اساسی را در امر آموزش رقم زده است. عصر «اصالت تصور» *Conceptualism* که از راه شنیدن و خواندن حاصل می‌شد، به مرور جای خود را به عصر «اصالت تصویر» *Imaginatioanalism* می‌دهد که از راه دیدن محقق می‌شود. سینما به کمک آموزش آمده است و از ترکیب دو مفهوم «تفریح» و «تربیت»، واژه‌ی «اجوتینمنت» *Edutainment* را برای مدارس و از ترکیب دو مفهوم «تفریح» و «دانش»، واژه‌ی «سایتینمنت» *Sciantainment* را برای دانشگاه فراهم آورده است.

بازهی زمانی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، مقطعی است که جبراً شیوه‌ی «اجوتینمنت» و «سایتینمنت» جایگزین روش آموزش کنونی می‌شود؛ در مقابل این دگرگونی نباید منفعل بود. در این تحول، طول دوره‌ی مدرسه و دوره‌ی دانشگاه به نحو چشم‌گیری کاهش می‌یابد.

۵- سرمایه‌ی سلامت

سلامت تراز در نگرش قرآنی در «قلب سلیم» است. روی‌کرد کنونی، محدود به تن‌درستی *Health* است. این روی‌کرد، یک نگرش مادی است که در آن حیات، محدود به تن انسان است و بیماری نیز صرفاً محدود به بیماری‌های جسم انسان است. این نگرش داروینستی به حیات و انسان، مکتب مادی‌گرایانه‌ی علوم پزشکی امروز است. تلاش کنونی برای درمان امراض جسمی در علوم پزشکی کنونی قابل تقدیر است. اما درمان مرض‌های نفس و روح که به سلامت قلب می‌انجامد در علوم پزشکی داروینستی جای‌گاهی ندارد. بازهی برنامه‌ی ششم، دوره‌ی گفتمان‌سازی «قلب سلیم» است. گفتمان‌سازی مبحث قلب سلیم، مرحله‌ی عبور از داروینسم در علوم پزشکی و نزدیک شدن به طب تراز قرآنی است. [۷]



۶- سرمایه‌ی اجتماعی (با تمرکز بر خانواده و جمعیت)

بر مبنای گزارش نهادهای بین‌المللی در نقشه‌ی خانوادگی ۲۰۱۴، خانواده عملاً در بسیاری از جوامع مدرن فروپاشیده است و «هم‌باشی» به پدیده‌ی رایج تبدیل شده است. در این گزارش‌ها، بخش قابل‌توجهی از کودکان جهان زنازاده هستند. [۸]



در مطالعات این نهادها بر نقش کلیدی و مؤثر ازدواج و میزان باروری در رشد اقتصادی پایدار و بلند مدت کشورها تأکید می‌شود. [۹]

THE SUSTAINABLE DEMOGRAPHIC DIVIDEND

WHAT DO MARRIAGE
& FERTILITY HAVE TO
DO WITH THE

ECONOMY?

Sponsored by

NATIONAL MARRIAGE PROJECT (UNITED STATES) INSTITUTE OF MARRIAGE AND FAMILY CANADA UNIVERSIDAD DE LOS ANDES (CHILE) UNIVERSITY OF ASIA AND THE PACIFIC (PHILIPPINES) UNIVERSITAT INTERNACIONAL DE CATALUNYA (SPAIN) UNIVERSIDAD DE LA SABANA (COLOMBIA) UNIVERSIDAD DE PIURA (PERU)

نگرانی از کاهش جمعیت و پیری جمعیت کشور، امروز نقل مجالس است. کاهش سن ازدواج، ازدواج آسان، تشویق زادوولد، توانمندسازی فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی مردان، پیشنهادهایی است که مطرح می‌شود، اما چالش‌های جدی‌تری در این راه وجود دارد:

الف - کاهش جمعیت، یک متغیر مهم دارد: تفرد. پدر و مادری که اسیر ویروس تفرد *Individualism* شده‌اند قطعاً تحمل کودک و فرزند را ندارند.

ب - وقوع انقلاب جنسی در ایران: انقلاب جنسی، مانند آنچه در دهه‌ی ۱۹۵۰ در آمریکا رخ داد، در حال وقوع است. پایه‌ی ایدئولوژیک این انقلاب جنسی، فمینیسم و هدونیسیم است. به نوشته‌ی آلن بلوم *Alan Bloom*، پروژه‌ی مرکزی فمینیست‌ها، حیازدایی به منظور تحقق انقلاب جنسی است [۱۰]. جنبش فمینیستی ایران نیز در دو دهه‌ی اخیر، نقش کلیدی در حیازدایی برای تحقق انقلاب جنسی ایفاء کرد.

از این رو، این جنبش عمیقاً مورد حمایت سرویس‌های جاسوسی غرب بوده و هست. اصالت لذت، بخش مکمل حیازدایی در انقلاب جنسی است. ظاهراً انقلاب جنسی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم، از حیث نسلی تثبیت و نهادینه می‌شود. ایران امروز، توفان انقلاب جنسی را در نسل زیر ۳۵ سال خود در دوره‌ی ۲۵ ساله‌ی اخیر از سر گذرانده است. برای مواجهه با انقلاب جنسی نوین در ایران، مدیریت و هدایت آن تا نیل به یک رژیم شرعی - عرفی جنسی جدید در افق ۱۴۱۴ ترند اصلی این حوزه است.

تبیین رژیم جنسی نوین ایرانی - اسلامی، به عنوان یک الگوی کارآمد و مؤثر که گزاره‌های زیر را در بر داشته باشد، در افق ۱۴۱۴ از ترندهای اساسی تربیتی، فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود:

- ۱- متضمن حقوق جسمی، عاطفی، روانی، ذهنی - قلبی و اجتماعی فرد باشد.
 - ۲- تفریح و لذت جنسی مشروع را تضمین کند.
 - ۳- میان زوجین، مناسبات مطلوب را ایجاد کند (به سکینت منتج شود).
 - ۴- مناسبات جنسی مطلوب زوجین، استحکام خانواده را رقم زند.
 - ۵- به اصلاح و تقویت مناسبات اجتماعی و ایجاد جامعه‌ی جنسی سالم منجر شود.
- با توجه به رخوت مدیریت علمی - فرهنگی - تربیتی - هنری و رسانه‌ای کشور، اقدام مناسبی از سوی نهادهای رسمی انجام نمی‌شود. از این رو، باید در طول برنامه‌ی ششم، گفتمان‌سازی حیا - که آغاز شده است - با حرکت خودجوش مردمی، شتاب روزافزون بگیرد.

پ - عصر زن‌سالاری: خانواده‌ی ایرانی تا سال ۱۳۶۰ مردسالار بود. از ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ دوره‌ی فرزندسالاری شکل گرفت؛ اما این وضعیت به مرور به عصر زن‌سالاری در خانواده‌ی ایرانی تغییر ماهیت می‌دهد. آمار بالای طلاق، خانه‌های مجردی و پدیده‌ی هم‌باشی از مؤلفه‌های اصلی زن‌سالاری است. زن‌سالاری در ۱۴۱۴ در ایران تعدیل می‌شود؛ چون نسل آینده‌ی دختران، آنچه در جامعه‌ی کنونی می‌بینند، وضعیت زنان ظاهراً مستقل و تنهایی است که دوره‌ی پیری تلخی را خواهند گذراند و مایه‌ی عبرت نسل بعد می‌شوند، مانند اتفاقی که اکنون در غرب می‌افتد.

ت - رواج شهرنشینی مفرط: در سال ۱۳۵۷ اکثر جمعیت ایران روستانشین بود، اما در سال ۱۳۹۷ این وضعیت به زیر ۳۰٪ کاهش می‌یابد. ترقی شهرها و شیوع پدیده‌ی شهرنشینی، بستر شکل‌گیری گسترده‌ی سبک زندگی بورژوازی در جوامع شهری ایران شده است. شیوع

سبک زندگی بورژوازی یک نشانه‌ی مهم انحطاط و اضمحلال اجتماعی است. تبلور سبک زندگی بورژوازی در حوزه‌ی کسب‌وکار و در حوزه‌ی خانوادگی طبقه‌ی متوسط شهری ایرانی دیده می‌شود. سینمای بورژوازی ایران در یک دهه‌ی اخیر در بیش از یک‌صد فیلم، تصویر تمام‌نمایی از وضعیت خانوادگی بورژوازی ایران ارائه کرده است که شش مؤلفه‌ی کلی را در بر دارد:

- ۱- خانواده متلاشی شده یا در آستانه‌ی طلاق است.
 - ۲- همواره یکی از زوجین در حال ترک وطن و بیتوته در اروپا و آمریکاست.
 - ۳- خانواده بدون فرزند یا تک‌فرزند است.
 - ۴- پیرها در خانواده جایی ندارند یا منزوی هستند.
 - ۵- چشمان یکی از زوجین ناپاک است و دچار فساد اخلاقی و خیانت است.
 - ۶- منابع مالی خانواده حرام و شبهه‌ناک است.
- سینماگر لیبرال و بورژوا به خوبی توانسته است انحطاط این طبقه را در ایران امروز به نمایش بگذارد.

ث - **خشونت شهری:** رواج شهرنشینی به ویژه با مدل بورژوازی، یک پیامد مهم دارد؛ خشونت شهری. خشونت شهری همان گانگستریسم موجود در آمریکاست که در سینمای آن مشهود است و هر هفته در مدارس و دانشگاه‌ها و ورزشگاه‌های آمریکا، با کشتار و جنایت اجتماعی بروز دارد، در جامعه‌ی ایرانی نیز آغاز شده است و در افق ۱۴۰۴ به یک پدیده تبدیل می‌شود.

۷- سرمایه‌ی سیاسی

سرمایه‌ی سیاسی در چهار حوزه‌ی **نخبگان سیاسی**، **نهادهای تصمیم‌ساز**، **متنفذین سیاسی** در قالب ابرطبقه و **احزاب سیاسی** بازتولید می‌شود. در تلقی دینی در اسلام، **عنصر امامت و ولایت** به عنوان حوزه‌ی پنجم بازتولید سیاست شناخته می‌شود. به ویژه این‌که سیاست همان دیانت است در عمل.

الف- نخبگان سیاسی

در بازه‌ی زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۳ بخش عمده‌ای از نسل یکم انقلاب اسلامی از دنیا رحلت می‌کنند. در طول برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، نخبگان نسل دوم باید آماده‌ی جایگزینی با

نخبگان نسل یکم شوند. سرمایه‌ی سیاسی ایران امروز حزب‌محور نیست، بلکه شخصیت‌محور است.

ب- نهادهای تصمیم‌ساز

سرمایه‌ی مستشاری، بخش مهمی از سرمایه‌ی سیاسی است. نهادهای مستشاری، نهادهای تصمیم‌ساز هستند. ایجاد، حفظ و بسط اندیشکده‌های تصمیم‌سازی عمومی و تخصصی، در سطح ملی و استانی، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم یک ضرورت است. عصر آینده، عصر مردم‌سالاری‌های اندیشکده‌ای *Think Tank Democracy* است، که موج چهارم دموکراسی‌ها محسوب می‌شود.

پ- ابرطبقه

در قدرت سیاسی، پیدایش و وجود ابرطبقه *Super Class* یک واقعیت است. ابرطبقه‌ی جهانی بیش از ۶۰۰۰ نفر برآورد شده است. [۱۱]

بانک‌داران، ثروت‌مندان، صاحبان صنایع، کارتل‌ها و تراست‌ها، سیاست‌مداران، هنرمندان و ورزشکاران مطرح، اعضای ابرطبقه هستند که در داووس سوئیس گرد هم می‌آیند. فرقه‌ی داووسیه، دنباله‌ی باشگاه روم و کمیته‌ی ۳۰۰ است. [۱۲] مهم‌ترین پیامد تجمیع ابرطبقه در داووس، کاهش تأثیر سازمان ملل و ارتقاء ضریب نفوذ داووس به عنوان نهاد غیررسمی بین‌الملل در سایه است.

ابرطبقه زائیده‌ی جامعه‌ی لیبرالیستی و کاپیتالیستی است. در ایران امروز نیز با توجه به ضریب نفوذ فرهنگ و اقتصاد لیبرالیستی و کاپیتالیستی، شکل‌گیری ابرطبقه آغاز شده است. فوتبالیست‌های صاحب نفوذ، ثروت‌مندان، سیاسیون پرده‌نشین، متنفذین اقتصادی- فرهنگی، هنرمندان و سینماگران ذی‌نفوذ، بخشی از ابرطبقه‌ی در حال نهادینه شدن هستند. شهرام جزایری، بابک زنجانی و پدیده‌ی فساد بانکی ۳۰۰۰ میلیاردی در سال‌های اخیر، نمونه‌های مالی این هرم هستند. بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، دوره‌ی تثبیت و نهادینه شدن ابرطبقه در قالب پذیرش اجتماعی- سیاسی آنان است. این روند باید کُند، افشاء و خنثی شود.

* برآورد ابرطبقه‌ی جهانی و ابرطبقه‌ی ملی ضروری است، زیرا ابرطبقه، بنیه‌ی سیاسی- اقتصادی- فرهنگی و امنیتی کشور را تضعیف می‌کند.

۸- سرمایه‌ی رهبری و هدایت

توان تدبیر و قدرت هدایت، سرمایه‌ی بی‌بدیلی است که در مفهوم سرمایه‌ی ولایت متبلور می‌شود. جامعه و نهاد فاقد ولی، در واقع جامعه‌ی فاقد هادی و در نتیجه فاقد تدبیر است. از این رو سرمایه‌ی هدایت و ولایت، سرمایه‌ی محوری و عنصر وحدت‌آفرین و اثربخشی سایر سرمایه‌هاست. همواره در مباحث ترندگذاری غربی تأکید شده است که رهبری در هر کشور، کلید رشد آینده‌ی جهان است. به این دلیل که جهان امروز، جهان روند تحولات پرشتاب نامیده شده، وجود رهبران توانمند و هادیان باتقوا، مهم‌ترین و اساسی‌ترین سرمایه‌ی یک جامعه در عبور از گردنه‌های صعب‌العبور تاریخی و تحولات پرشتاب است. انقلاب اسلامی ایران در بازه‌ی ۳۷ ساله‌ی ابتدای عمر خود قویاً از این نعمت برخوردار بوده است. مزیت مطلق در این حوزه موجب خاصیت‌مندی و اثربخشی سایر سرمایه‌های قدرت ملی می‌گردد.

بخش چهارم: حوزه‌ی قدرت نیمه‌سخت

۱- سرمایه‌ی مالی

نظام ایدئولوژیک حاکم بر مناسبات اجتماعی بشر امروز، نظام سرمایه‌گرایی یا کاپیتالیسم است. مال و سرمایه نقش مؤثری در حیات بشر ایفا می‌کند اما نباید اصل و زیربنا و هدف باشد. نظام مالی جهان در بحرانی ریشه‌دار و عمیق فرو رفته است و بدهی به جزء لاینفک حیات اجتماعی بشر تبدیل شده است؛ دولت‌های بده‌کار، نهادهای بده‌کار و انسان‌های بده‌کار. بدهی عمومی دولت‌ها، هیچ راه علاجی ندارد و اکنون اقتصاد جهان با ۵۷ تریلیون دلار بدهی، در سراشیبی سقوطی هولناک در حرکت است، تا آن‌جا که راه درمان و گریز از آن، در وقوع یک جنگ فراگیر جهانی دیگر و لاجرم تغییر مرزها و حکومت‌های پس از آن جنگ دیده شده و گمانه‌زنی می‌شود؛ جنگی محتمل.

جمهوری اسلامی در این میان موقعیت ویژه‌ای دارد:

الف- از یک‌سو، درگیر تحریم‌های جهان استکبار است و به تعبیر امام خامنه‌ای^{مدظله} «کشور

درگیر یک جنگ تمام عیار اقتصادی است».[۱۳]

ب- و از سوی دیگر، با طرح اقتصاد مقاومتی که رهبر معظم انقلاب، آن را جهاد مقدس خواندند[۱۴]، درصدد مقاوم‌سازی اقتصاد ملی، برای خنثی کردن استراتژی‌های جهان استکبار، در جنگ تمام عیار اقتصادی مزبور است؛ اما اقتصاد مقاومتی با دو چالش اساسی در طول برنامه‌ی ششم پیش‌رفت مواجه است:

۱) چالش نظری: تکنوکرات‌های حاضر در حوزه‌ی اقتصاد ایران، عمدتاً مؤمن به

دکترین‌های فریدمنی، یا نئوکینزی هستند. [۱۵] پذیرش بی‌سر و صدای مکتب پولی در اقتصاد ایران در دو دهه‌ی اخیر، عملاً اقتصاد مقاومتی را غیرممکن ساخته است.

۲) چالش عملی: اصالت پول در اقتصاد و سیطره‌ی بازار سرمایه به عنوان حجاب بر

سایر بازارها، موجب این شده است که پول با پول کار کند. این‌که پول با پول کار کند و اساساً «کار کردن» پول برخلاف حکم صریح امام خمینی^(ره) است که فرمودند:

«پول نباید کار کند».[۱۶]

دلیل اصلی سست شدن بنیه‌ی ملی، مکتب اصالت پول است و با وجود آن، مقاوم‌سازی اقتصاد تنها در

حوزه‌ی شاخ و برگ‌ها صورت می‌گیرد، نه در تنه و ریشه‌ی آن.[۱۷]

جمهوری اسلامی چهار استراتژی هم‌زمان را باید در مقطع پنج‌ساله‌ی برنامه‌ی ششم سرلوحه‌ی خود

قرار دهد:

استراتژی یکم

مفهوم پول در اقتصاد ایران گمراه‌کننده است. باید پول به معنی *Currency* حذف شود و *Money* جایگزین شود. پول بدون پشتوانه *Fiat* کارکردی هم‌چون ویروس *HIV* در پیکره‌ی اقتصاد دارد.

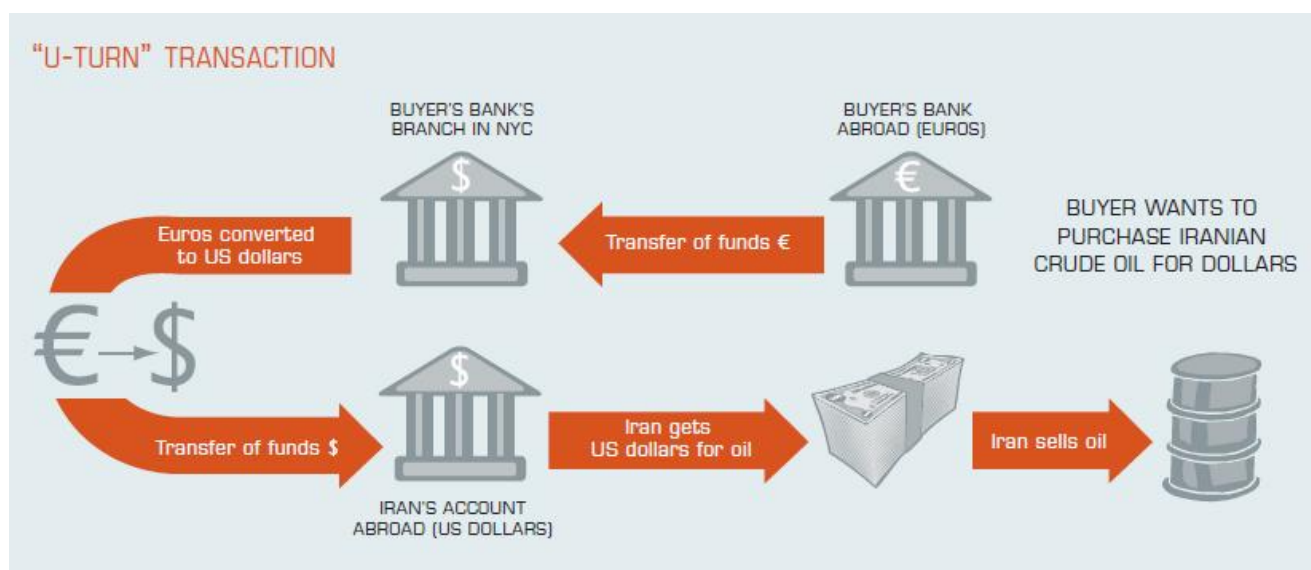
استراتژی دوم

کنار گذاردن مکتب اصالت پول در اقتصاد ملی. در این صورت، بازار سرمایه از اصالت خواهد افتاد و سایر بازارها مورد توجه واقع می‌شوند. بانک، بورس و بیمه نیز به نهادهای فرعی و خدماتی تبدیل شده و از محوریّت ساقط می‌شوند.

استراتژی سوم

در تجارت بین‌المللی، با ایجاد پیمان‌های دوجانبه‌ی پولی، هر نوع ارز ثالث مانند دلار و یورو، از چرخه‌ی معاملات حذف شود. چین و روسیه این روند را در پیش گرفته‌اند و جمهوری اسلامی که در محاصره‌ی اقتصادی است، بیش از دیگران به این روند نیازمند است.

* نکته: مرکز سیاست دوحزبی آمریکا *Bipartisan Policy Center* در سال ۱۳۸۷ در گزارشی، استراتژی آمریکا علیه ایران را در قالب «دایم پارادایم» *DIME Paradigm* اعلام کرد. [۱۸] این استراتژی در چهار حوزه‌ی سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی مطرح شده است. در حوزه‌ی اقتصادی، استراتژی آمریکا در قالب «دوربرگردان» یا *U-Turn* مبتنی بر این است که هر نوع معامله‌ی نفتی ایران با ارزی غیر از دلار، باید در بازار جهانی یا در کشور مقصد، ابتدا به دلار برگردد، سپس معامله رسمیت پیدا کند. باید به این استراتژی حمله کرد و دلار را از چرخه‌ی معاملات حذف کرد.



استراتژی چهارم

مهار نفوذ کمپانی‌ها و کورپوریشن‌های بین‌المللی در اقتصاد ایران: کمپانی‌های چند ملیتی و تک‌ملیتی خارجی، به بهانه‌ی سرمایه‌گذاری، نقاط استراتژیک و عملیاتی تولید و تجارت را در دست گرفته و بر کلیت ساختار سیاست اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی کشور تأثیرگذار می‌شوند؛ ازاین‌رو باید با رصد هوشمندانه‌ای ورود و حضور این کمپانی‌ها، تهدید آن‌ها در شکل‌گیری استراتژی لکه‌ی جوهر را خنثی کرد. کشور کره جنوبی امروز توسط این کورپوریشن‌های چندملیتی اداره می‌شود؛ چین نیز به مرور با این تهدید مواجه شده است و اقتصاد آن مترصد تسخیر شدن است.

خط‌مشی

۱- این استراتژی‌ها بر یک معیار و میزان مشخص سنجش می‌شوند: زدودن زهر ربا از تن اقتصاد ایران. **خط‌مشی ربازدایی از اقتصاد ایران**، معیار استراتژی‌های مزبور، در بستر تحولات جهانی اقتصاد است. جنگ تمام‌عیار اقتصادی، عملاً در قالب **جنگ با خدا و رسول خدا (ص)** که همان رباست به اجرا درآمده است.

۲- مالکیت، بهره‌مندی و برخورداری و دارایی است. مال منزله، رزقی است از سوی خدا. مالکیت انسان‌ها بر اموال خود، مالکیت درجه دوم است. مالک اصلی خداست. دو پدیده‌ی مرتبط با انسان به سرعت چرخ می‌شوند: مال و نفس. از این رو تزکیه‌ی مال و تزکیه‌ی نفس در سبک زندگی هر مسلمان جایگاه ممتازی داشته و در برنامه‌ی زندگی او، موقعیت مستمری دارد. تزکیه‌ی مال همان زکات است. زکات یا تزکیه‌ی مال، بارها در قرآن همراه با حکم به صلاه آمده است. مال حلال و تزکیه شده، هر چند اندک باشد، سرمایه‌ی با برکت جامعه و نهاد اسلامی است.

۳- در لیبرالیسم اقتصادی، بازار خالق است و حکم آن حکم خداست. دست نامرئی بازار - یا همان دستان پنهان خدای بازار - متعادل‌کننده‌ی نظام عرضه و تقاضاست. لسه‌فر - بگذار هر چه می‌خواهد انجام دهد - مغز و هسته‌ی مرکزی اقتصاد بازار است و همان بنیانی است که مبتنی بر آن مفهوم بازار «آزاد» شکل می‌گیرد. آزاد در این‌جا، از لسه‌فر برمی‌خیزد. اما حقیقت در قرآن چیز دیگری است؛ رزق هر کسی از سوی خدا رقم می‌خورد و قبض و بسط آن به دست خداست. یدالله - دستان خدا - فوق سایر دست‌ها از جمله دست نامرئی بازار آدام اسمیتی است. رزقی که خدا به کسی می‌دهد، او می‌تواند با آن بیع را انجام دهد. از این رو اقتصاد قرآنی، بر خلاف اقتصاد مدرن که خریدمحور است، اقتصادی است فروش‌محور. بیع از چهار دروازه‌ی انفاق، زکات، صدقه و قرض حسنه می‌گذرد. چنان‌چه بیع از این دروازه‌ها عبور نماید، برکت شامل آن می‌شود.

۴- در قرآن چهار مفهوم زیاد، اضافه، ربا و برکت، معنی فزونی و افزایش می‌دهند. اما ربا، افزایشی است که خدا آن را به محاق می‌برد و برکت افزایشی است که پایانی ندارد.

۲- سرمایه‌ی سایبر

وابستگی روز افزون به فضای سایبر، شکل‌گیری پدیده‌های جهان موازی *Parallel Universe*، جامعه‌ی مجازی *Virtual Society* و زندگی دوم *Second Life*، آسیب‌پذیری‌های نوینی را رقم زده است که در حیطه‌ی امنیت سایبر دسته‌بندی می‌شود:

الف- استقلال سایبر، متضمن امنیت سایبر است. زیرساخت شبکه (و هم‌چنین سیستم‌عامل بومی و موتور جست‌وجوی بومی)، از مصادیق استقلال سایبر است. پیش‌نیاز استقلال سایبر، نهادسازی سایبرنتیک است. کشوری که بانی اینترنت و فضای سایبر است، یعنی ایالات متحد، پدیده‌ی اینترنت و امور سایبر را به وزارت *AT&T* یعنی وزارت‌خانه‌ی امور پست و تلگراف و تلفن خود نداده است، بلکه آن را به سازمان امنیت ملی *NSA* در وزارت دفاع آمریکا سپرده است. انگلیس نیز آن را به سازمان *GCHQ* واگذارده است. عجیب است که در ایران، یک حیطه‌ی نظامی - امنیتی، به نهاد غیرنظامی یعنی وزارت ارتباطات واگذار شده است.

امنیت پایدار در حوزه‌ی سایبر متضمن این است که اینترنت و مدیریت سایبر از وزارت ارتباطات گرفته شده و به نیروهای مسلح واگذار شود. بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت جمهوری اسلامی، مقطع فرهنگ‌سازی انتقال اینترنت و فضای سایبر به حیطه‌ی مأموریتی نیروهای مسلح است. کشور ایران محتاج یک نهاد کارآمد مانند *NSA* است. دیدن ساختار سازمانی *NSA* که متولی اینترنت در آمریکا است [۱۹] به خوبی می‌نماید که هیچ یک از اجزاء آن در ساختار سازمانی وزارت ارتباطات ایران نهاد مشابه ندارد. با توجه به یک‌پارچگی مدیریت اینترنت در آمریکا با فرماندهی جنگ‌های سایبری آن - که هر دو به آدمیرال مایکل راجرز سپرده شده است - در ایران نیز باید با ایجاد سازمان مشابه *NSA* استقلال سایبرنتیک را رقم زد.

در هر منازعه‌ی تمام‌عیار میان ایران و آمریکا، مهم‌ترین منفذ و در واقع چشم اسفندیار قدرت ملی ایران، ساختار ارتباطات آن است. اینترنت جهان که ظاهراً پدیده‌ای غیرنظامی است، در واقع یک محصول عمیقاً نظامی است که کاملاً در کنترل وزارت دفاع آمریکا است و تحت پروتکل‌های آژانس امنیت ملی *NSA* در بخش موتورهای جست‌وجو، سیستم‌های عامل، امنیت شبکه و امنیت اطلاعات عمل می‌کند. حمله‌ی سایبری آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات اتمی ایران و هم‌چنین انتقال ویروس استاکسنت و زیان‌های وارده، نشان داد که ورود اینترنت به شکل غیرنظامی به ایران، اقدامی غیر کارشناسی بوده و ضمن دستاوردها و خدمات عالی، متأسفانه آسیب‌پذیری دفاعی را افزایش داده است.

ب- ویکی‌پدیای بومی - ملی

ویکی‌پدیا یکی از مؤلفه‌های جامعه‌ی معرفتی *Knowledge Society* در گروه جوامع سایبرنتیک است. ویکی‌پدیا به عنوان دایره‌المعارف آزاد و چند زبانه، ظاهراً «مشارکتی» است و با مساعدت کاربران اینترنت تهیه می‌شود، اما در واقع این گونه نیست. اهمیت دایره‌المعارف‌ها از عصر علامه‌ی مجلسی در تدوین دایره‌المعارف «بحارالانوار» در حوزه‌ی حدیث بر همگان روشن شد. در عصر روشن‌گری اروپا نیز، اصحاب دایره‌المعارف در فرانسه کاملاً از جایگاه آن واقف بودند. مسئولان موتورهای جستجوی گوگل و یاهو نیز از موقعیت ممتاز دایره‌المعارف اینترنتی در مدیریت معرفت و دروازه‌بانی ذهن عمومی مطلع هستند. از این رو ویکی‌پدیا با یک روش ظریف، به کنترل فرهنگ از طریق مدیریت معرفت مشغول است. در ویکی‌پدیا، تیم ویرایش به گونه‌ای حرفه‌ای دو اقدام موزیانه انجام می‌دهند:

۱- در مورد هر موضوع، همه‌ی حقیقت (یا حداقل محورهای اصلی آن) را نمی‌گویند. گفتن بخشی از حقیقت هر موضوع، در واقع بیان ناقص آن است. قاعده این است که در تنظیم موضوعات در یک دایره‌المعارف، هر موضوع ضمن رعایت اختصار و اجمال، از جامعیت نیز برخوردار باشد.

۲- در مورد هر موضوع، جهت‌گیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود را مبنای گزینش محورهای هر موضوع قرار داده‌اند. از این رو ویکی‌پدیا به یک دایره‌المعارف سیاسی - ایدئولوژیک مبتنی بر نیت‌ها و مقاصد دولت آمریکا در موضوعات مختلف تبدیل شده است.

* نکته: البته مشکلات ویکی‌پدیا به این دو اقدام غیر حرفه‌ای ختم نمی‌شود. بسیاری از مطالب آن در موضوعات گوناگون، غیر واقعی و دروغ است. در صورتی که در وبسایت تخصصی همان موضوع، اطلاعات دقیق آن حوزه وجود دارد، اما جهت‌گیری‌ها و منافع ویکی‌پدیا حکم می‌کند که در راستای سیاست کنترل فرهنگ و افکار عمومی، انگاره‌های دروغ را القا کند.

* * * * *

بررسی کارشناسی تصادفی ویکی‌پدیای فارسی در موضوعات گوناگون، و سپس بررسی همان موضوعات در ویکی‌پدیای انگلیسی از یک سو، و انطباق آن با وبسایت‌های تخصصی مربوط به همان موضوعات، نشان می‌دهد که تنها ۲/۵ درصد مطالب و همچنین مستندات ویکی‌پدیا معتبر است. این بررسی حیرت‌انگیز حاکی است که ویکی‌پدیا به هیچ وجه مرجع معتبری نیست، چه اینکه عمدتاً از دو روش تحریف *Disinformation* و انبوه فاکت‌ها *Massinformation* استفاده نموده است.

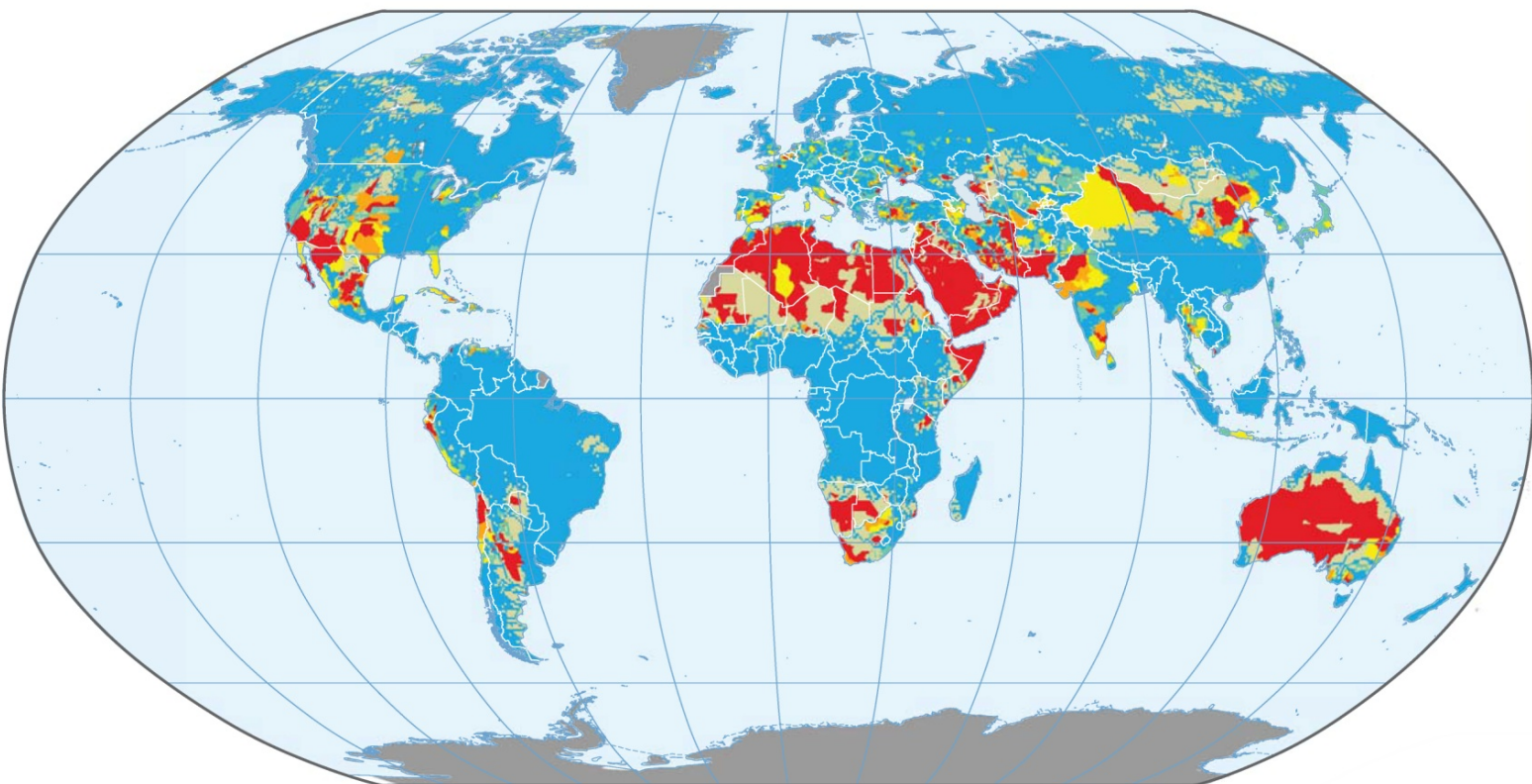
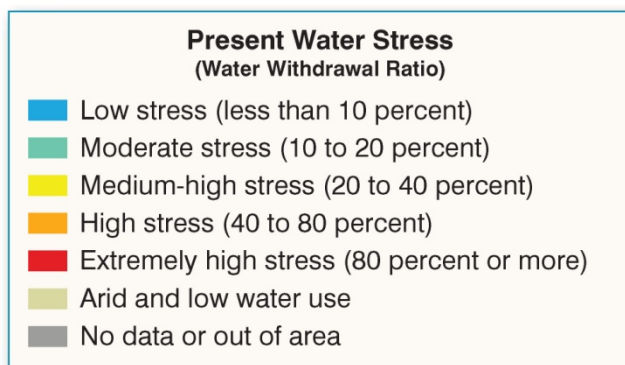
از این رو باید مرکز ملی فضای مجازی با هدایت شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، با تشکیل یک کارگروه نخبه از حوزه‌های تخصصی گوناگون به عنوان «هیئت علمی» مقدمات ایجاد ویکی‌پدیای چند زبانه‌ی ملی را فراهم سازد. هیئت علمی ویکی‌پدیای ملی، با همکاری یک تیم ویراستاری، با بهره‌گیری از مشارکت

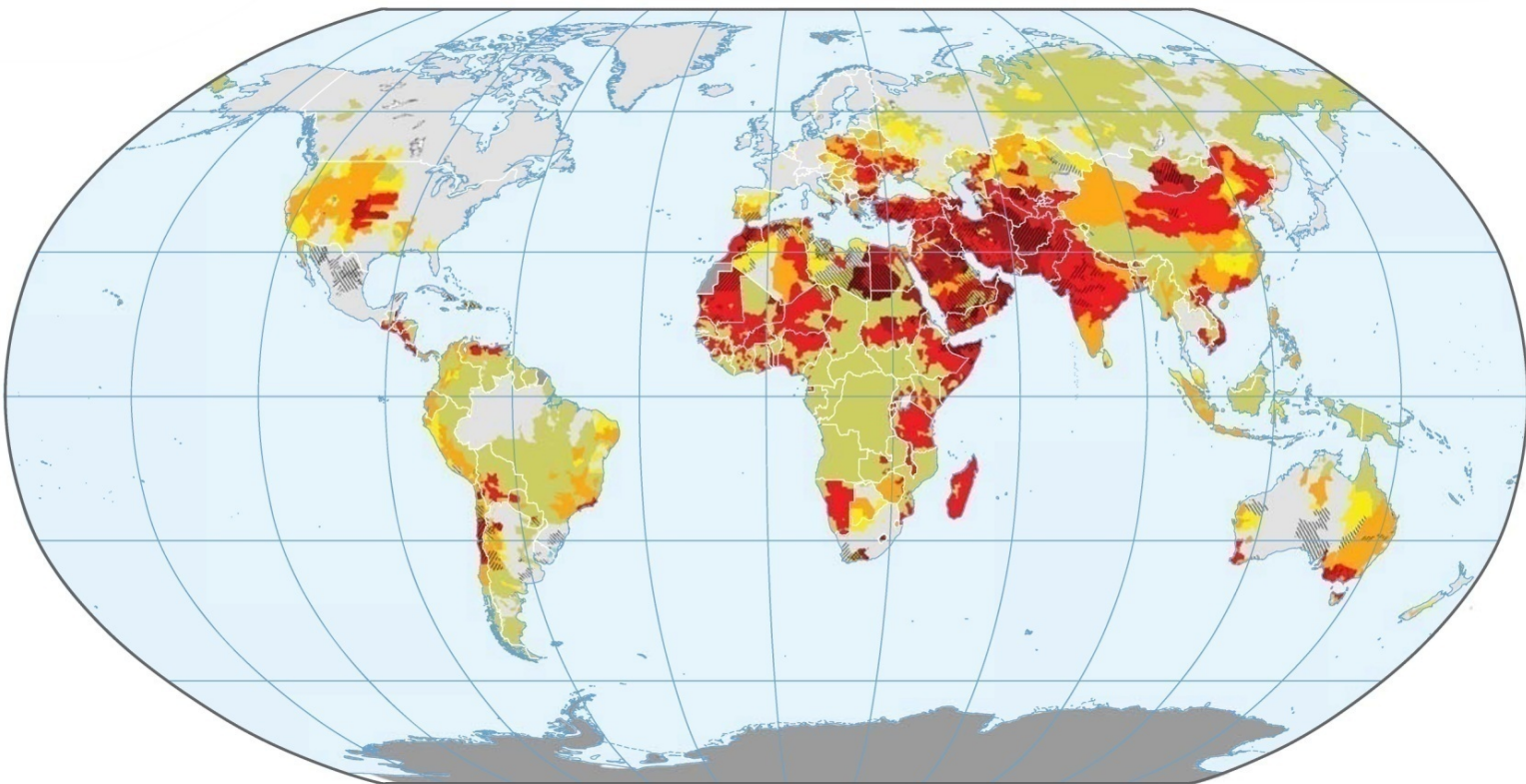
مردمی و با اتکا به مستندات وبسایت‌های تخصصی، می‌توانند دایره‌المعارف اینترنتی بومی و هوشمند ایرانی را با حداکثر دقت و صحت در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت، اجرایی کنند.

بخش پنجم: حوزه‌ی قدرت سخت

۱- سرمایه‌ی محیطی (محیط‌زیست)

بر مبنای گزارش‌های معتبر بین‌المللی در نقشه‌ی امنیت جهانی آب، تعداد زیادی از کشورهای جهان طی سه دهه آینده دچار مشکل کم‌آبی می‌شوند. در این نقشه، ایران جزء کشورهایی است که در سال ۲۰۲۵ به صورت استثنایی دچار تنش آبی شدیدی خواهد شد. [۲۰]





خشک‌سالی و تغییرات زیست‌محیطی، در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیش‌رفت، چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی عدیده‌ای برای جمهوری اسلامی پدید می‌آورد؛ سال ۱۳۹۳ هفتمین سال خشک‌سالی پیاپی کشور بود:

الف- اکنون از هر ۱۰ شهر ایران که رودخانه دارند، رودخانه‌های ۹ شهر خشک شده است، به‌گونه‌ای که شهرداری‌های آنجا، بستر رودخانه‌ی شهر خود را آسفالت کرده و به‌مرور تغییر کاربری می‌دهند.

ب- در شرق و غرب و مرکز کشور، دریاچه‌ها و تالاب‌ها با کمبود آب مواجه هستند.

پ- تغییرات آب و هوایی و زیست محیطی موجب جابه جایی جمعیت و به ویژه «روستازدایی» می شود.

ت- فقرزایی حاصل از تغییرات زیست محیطی، پیامدهای اجتماعی - امنیتی گسترده ای در طول برنامه ی ششم پیشرفت خواهد داشت.

ث- غبار و ریزگردها که از غرب و جنوب غرب کشور وارد می شوند و هیچ درمان و علاجی ندارند، بر ساختار اجتماعی - اقتصادی غرب و جنوب غرب کشور تأثیر جدی خواهد داشت.

* شیوع معاصی، به ویژه ربای سازمان یافته، برکت را از زندگی و محیط زیست می برد. اگر در برنامه ی ششم به معصیت زدایی توجه نشود، مسئله ی بحران زیست محیطی به چالشی اساسی برای جمهوری اسلامی تبدیل می شود. شرایط زیست محیطی خشک سالی، به ویژه کم آبی، موجب جابه جایی جمعیت می شود؛ انتشار و پراکندگی جمعیت، یک مؤلفه ی قدرت ملی است که برهم خوردن آن، پیامدهای امنیتی دارد. سرمایه گذاری امنیتی در قالب طرح آمایش سرزمین، برای انتشار و پراکندگی هوشمند جمعیت، موجب پدید آمدن یکی از متغیرهای امنیت پایدار - یعنی توزیع مناسب جمعیت - می شود. سرمایه ی ملکی در خطر است و در برنامه ی ششم می طلبد که نیروهای انقلاب اسلامی به میدان محیط زیست وارد شوند.

۲- سرمایه ی ملکی: کاداستر^۱ و لندپارسل (حدنگاری)

سرمایه ی ملکی، نیازمند ثبت قانونی است. ابعاد حقوقی املاک ملی و طرح فقهی اُنفال، یکی از پایه های طرح آمایش سرزمین است:

الف- کاداستر ملی (که قانون آن در بهار ۱۳۹۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید [۲۱]) و [۲۲] در بازه ی برنامه ی ششم باید عملیاتی شود. پس از کاداستر عمومی، باید کاداستر سازمانی انجام شود:

۱) کاداستر وزارت نفت.

۲) کاداستر وزارت جهاد کشاورزی.

۳) کاداستر وزارت صنعت، معدن و تجارت.

۴) کاداستر وزارت راه و شهرسازی.

۵) کاداستر وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.

۱- نهادهای تقسیمات ارضی و تعیین حدود.

۶) کاداستر دانشگاه آزاد اسلامی.

۷) کاداستر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

۸) کاداستر وزارت آموزش و پرورش.

۹) کاداستر وزارت اقتصاد.

۱۰) کاداستر بانک مرکزی و حوزه بانکی کشور.

۱۱) کاداستر سپاه.

۱۲) کاداستر ارتش.

۱۳) کاداستر ناجا.

۱۴) کاداستر ودجا.

۱۵) و سایر سازمان‌ها.

* نکته: ایران از حیث پدیده‌ی «زمین‌خواری» به عنوان یک جرم سازمان‌یافته‌ی «ماکروآلیاژی» موقعیت نامناسبی دارد که راه اصلی ممانعت از این جرائم ماکروآلیاژی در کاداستر و لندپارسل نهفته است.

ب- کاداستر جهان اسلام: فرهنگ کاداستر در جهان اسلام باید تعمیم یابد. صهیونیست‌ها با استفاده از خلأ کاداستر، سرزمین فلسطین را از زیر پای ساکنان آن کشیدند؛ از این‌رو فرهنگ کاداستر باید در کشورهای اسلامی نهادینه شود.

۳- سرمایه‌ی عمرانی

عمران و آبادانی زمین برای تسهیل زیست مردم، یکی از اهداف اجتماعی اسلام است. سرزمینی که آبادتر باشد، از نعمت‌های الهی بهره‌مندتر است. سرمایه‌ی عمرانی مبتنی بر طرح جامع آمایش سرزمین برآورد می‌شود.

۴- سرمایه‌ی فنی

الف - تجهیزات، اعم از صنعت و تکنولوژی، در حوزه‌های گوناگون، باید ابزار تسهیل زیست بشر باشند مشروط بر این‌که:

۱- بر بشر سیطره نیابند.

۲- عامل تخریب محیط زیست نباشند (در بخش انطباق تکنوسفر با بیوسفر توضیح داده شد).

۳- عامل غفلت از خود و خدا نگردند. از خود بیگانگی تکنولوژیک، امروزه یک بیماری تمدنی است.

۴- هدف نباشند و اصالت نیابند.

۵- عامل هم‌افزایی با سایر سرمایه‌ها باشند نه مخل و مخرب آن‌ها.

جامعه و نهاد مجهر، جامعه و نهاد واجد سرمایه‌ی تجهیزاتی و فنی است (هم از حیث برخورداری از جهاز، و هم از حیث توان بهره‌گیری از آن تجهیزات و فنون در قالب دانش فنی). سرمایه‌ی فنی در کنار سرمایه‌ی عمرانی و سرمایه‌ی مالی، ارکان سرمایه‌ی مادی جامعه را تشکیل می‌دهند.

ب - استراتژی صنعتی شدن جامع ایران در افق ۱۴۱۴ در انتخاب یکی از گزینه‌های زیر است:

۱- صنعتی شدن بر اساس کشاورزی: مکتب کلاسیک صنعتی شدن.

۲- صنعتی شدن بر اساس حمل‌ونقل: مکتب صنعت خودروسازی (حمل‌ونقل جاده‌ای)، قطارسازی (حمل‌ونقل ریلی)، کشتی‌سازی (حمل‌ونقل دریایی) و هواپیماسازی (حمل‌ونقل هوایی).

* رژیم پهلوی دوم در دهه‌ی ۱۳۴۰ این مکتب را با بهره‌گیری از روش مونتاژ، برای صنعتی شدن ایران انتخاب کرد.

۳- صنعتی شدن بر اساس توان نظامی: مکتب مجتمع‌های صنعتی - نظامی ایالات متحده.

۴- صنعتی شدن بر اساس توان انرژی: مکتب صنعتی جامع انرژی فسیلی (نفت و گاز)، انرژی الکتریکی (برق)، انرژی‌های نو (باد و موج و آفتاب) و انرژی هسته‌ای. [۲۳]

* مزیت نسبی ایران در مکتب چهارم است و از ابعاد گوناگون، ظرفیت صنعتی شدن جامع مبتنی بر صنایع و تکنولوژی‌های حوزه‌ی انرژی را دارد. غرب این را می‌داند و فشار خود را به ایران وارد می‌کند تا مانع این حرکت شود.

ج - بازه‌های ده ساله‌ی درخواست تعلیق فعالیت هسته‌ای ایران از سوی غرب از چه منطقی برخوردار است؟

غرب در سال ۱۳۸۳ درخواست تعلیق ده ساله تا ۱۳۹۳ را داشت و در سال ۱۳۹۳ نیز درخواست تعلیق ده ساله تا ۱۴۰۳ را دارد. راز آن در ایجاد نیروگاه جوش هسته‌ای در فرانسه توسط کنسرسیوم بین‌المللی است و پس از آن، کشورهای بیرون از آن کنسرسیوم اجازه‌ی داشتن تکنولوژی پیشرفته‌ی جوش هسته‌ای را نخواهند یافت.

بخش ششم: غرامت ملی

در سال ۱۹۹۱ در اجلاس آکرا در کشور غنا که از سوی سازمان ملل برگزار شد، دوره‌ی ۳۰۰ ساله‌ی استعمار آفریقا از سوی اروپا بررسی گردید و مجموع زیان قاره‌ی آفریقا ۷۷۷ تریلیون دلار برآورد شد. از این رقم، ۱۸۵ تریلیون دلار زیانی است که انگلیس به آفریقا وارد کرده و با غارت منابع مادی و انسانی قاره‌ی آفریقا، تمدن آنگلو ساکسون را رونق بخشیده است.

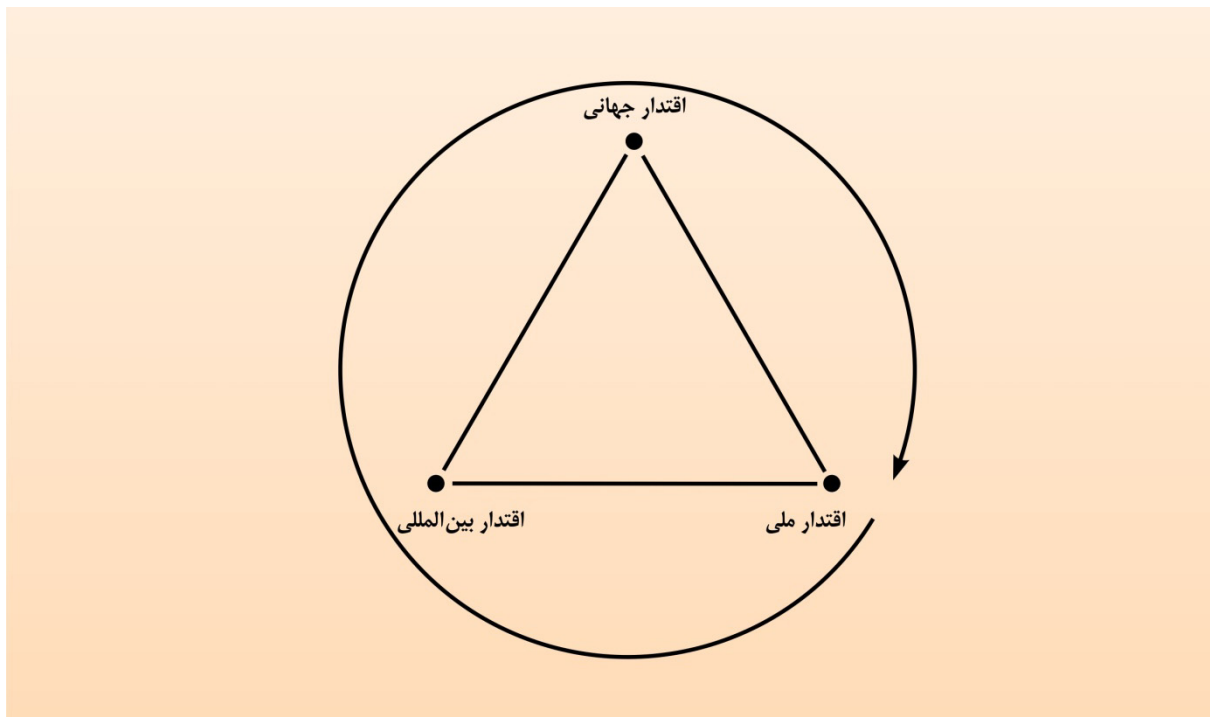
سازمان ملل باید در بازه‌ی ۱۴۰۴ برای بررسی زیان وارده به قاره‌ی آسیا نیز اجلاس مشخصی را برگزار کند. برآورد اولیه حاکی از آن است که کشور انگلیس بیش از ۱۴ تریلیون دلار و کشور آمریکا بیش از ۱۱ تریلیون دلار در دوره‌ی استعمار و سپس در دوره‌ی پس از انقلاب اسلامی به ایران زیان وارد کرده‌اند. در افق ۱۴۱۴ باید مطالبه‌ی غرامت ملی مزبور از انگلیس و آمریکا، برنامه‌ریزی حقوقی شده و دریافت آن محقق شود.

انگلیس در مواردی مانند بندهای زیر، زیان‌های جبران ناپذیری به ایران وارد ساخت:

- ۱- دخالت‌های استعماری عصر قاجار تا قبل از انقلاب مشروطه.
- ۲- در دوره‌ی انقلاب مشروطه.
- ۳- در طول جنگ جهانی یکم.
- ۴- در ایجاد قحطی عمومی و در نتیجه کشتار میلیونی ایرانیان.
- ۵- در جریان کودتای رضاخان قزاق.
- ۶- در طول جنگ جهانی دوم و مشارکت در اشغال ایران.
- ۷- در واقعه‌ی جایگزینی محمدرضا پهلوی به جای پدرش رضاخان، بر کرسی حکومت ایران.
- ۸- در تاریخ نفت و غارت منابع نفتی ایران.
- ۹- در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت مصدق.
- ۱۰- در اقدامات ضد انقلابی دوران پس از انقلاب اسلامی تاکنون.

بخش هفتم: اقتدار ملی - اقتدار جهانی

نیروی انتظامی، مظهر اقتدار ملی جمهوری اسلامی است. ارتش، مظهر اقتدار بین‌المللی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران، مظهر اقتدار جهانی انقلاب اسلامی است. وحدت تلاش‌ها در ایجاد این تصویر سه‌وجهی، در دوره‌ی برنامه‌ی ششم، بخشی از جهت‌گیری روانی امنیت پایدار است. به دلیل گسترش و شیوع تروریسم فرقه‌ای در منطقه‌ی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا، الزاماً ارتقاء سواد انتظامی عموم جامعه در راستای اقتدار ملی، ارتقاء سواد دفاعی عموم جامعه در راستای اقتدار بین‌المللی جمهوری اسلامی و ارتقاء سواد پاسداری عموم جامعه در راستای اقتدار جهانی انقلاب اسلامی، باید سرلوحه‌ی فعالیت‌های انتظامی و نظامی قرار گیرد.



فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی

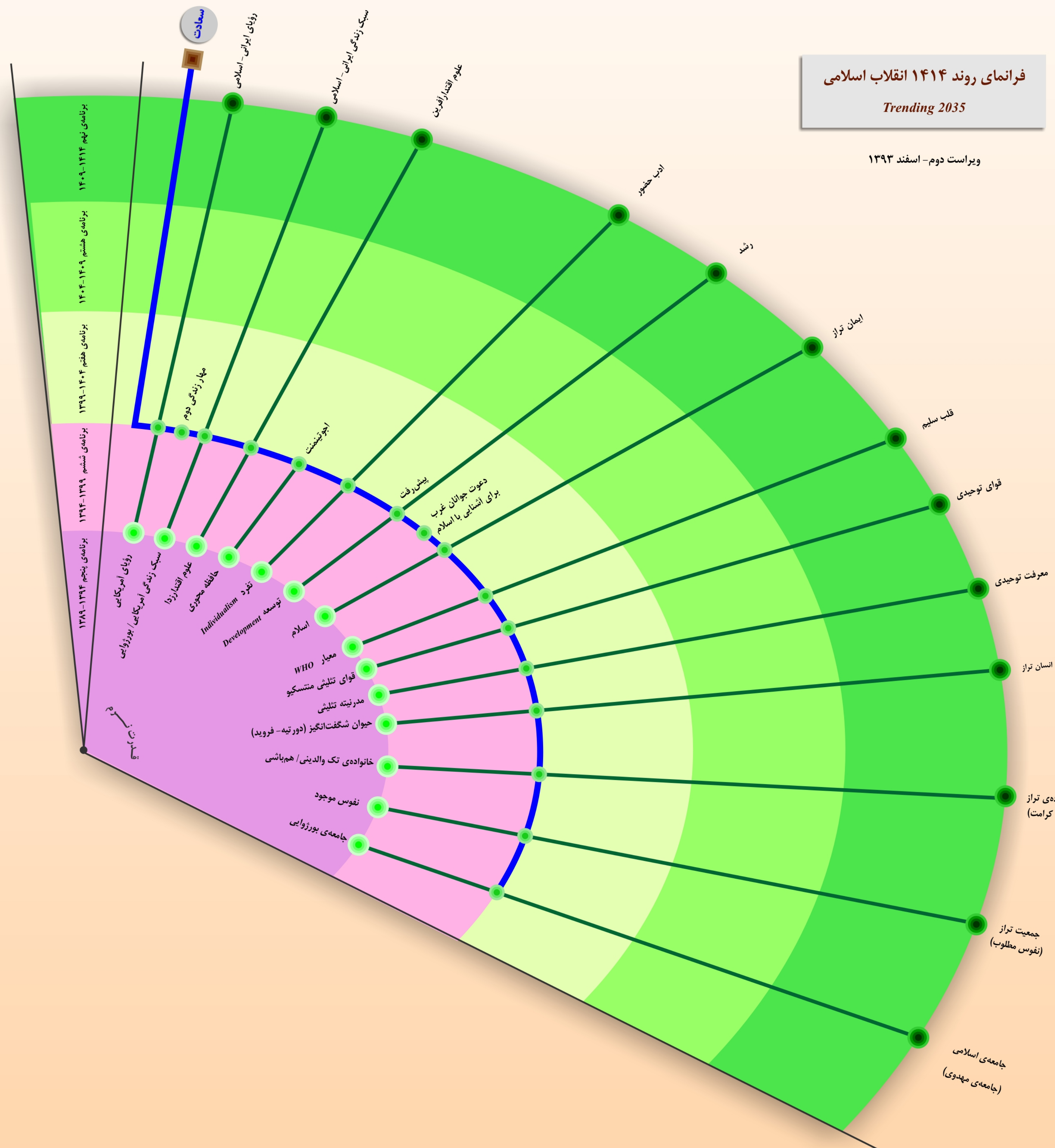
در حوزه‌ی قدرت نرم

ردیف	وضع موجود (ترند)	وضع مطلوب (تراز)
۱	جامعه‌ی بورژوازی	جامعه‌ی اسلامی (جامعه‌ی مهدوی)
۲	نفوس موجود	جمعیت تراز (نفوس مطلوب)
۳	خانواده‌ی تک والدینی / هم‌باشی	خانواده‌ی تراز (کلبه کرامت)
۴	حیوان شگفت‌انگیز (دور تیه - فروید)	انسان تراز
۵	مدرنیته تثلیثی	معرفت توحیدی
۶	قوای تثلیثی متسکیو	قوای توحیدی
۷	معیار <i>WHO</i>	قلب سلیم
۸	اسلام	ایمان تراز
۹	توسعه <i>Development</i>	رشد
۱۰	تفرد <i>Individualism</i>	ادب حضور
۱۱	حافظه‌محوری	اجوتینمنت
۱۲	علوم اقتدارزدا	علوم اقتدارآفرین
۱۳	سبک زندگی آمریکایی / بورژوازی	سبک زندگی ایرانی - اسلامی
۱۴	رؤیای آمریکایی	رؤیای ایرانی - اسلامی

فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی

Trending 2035

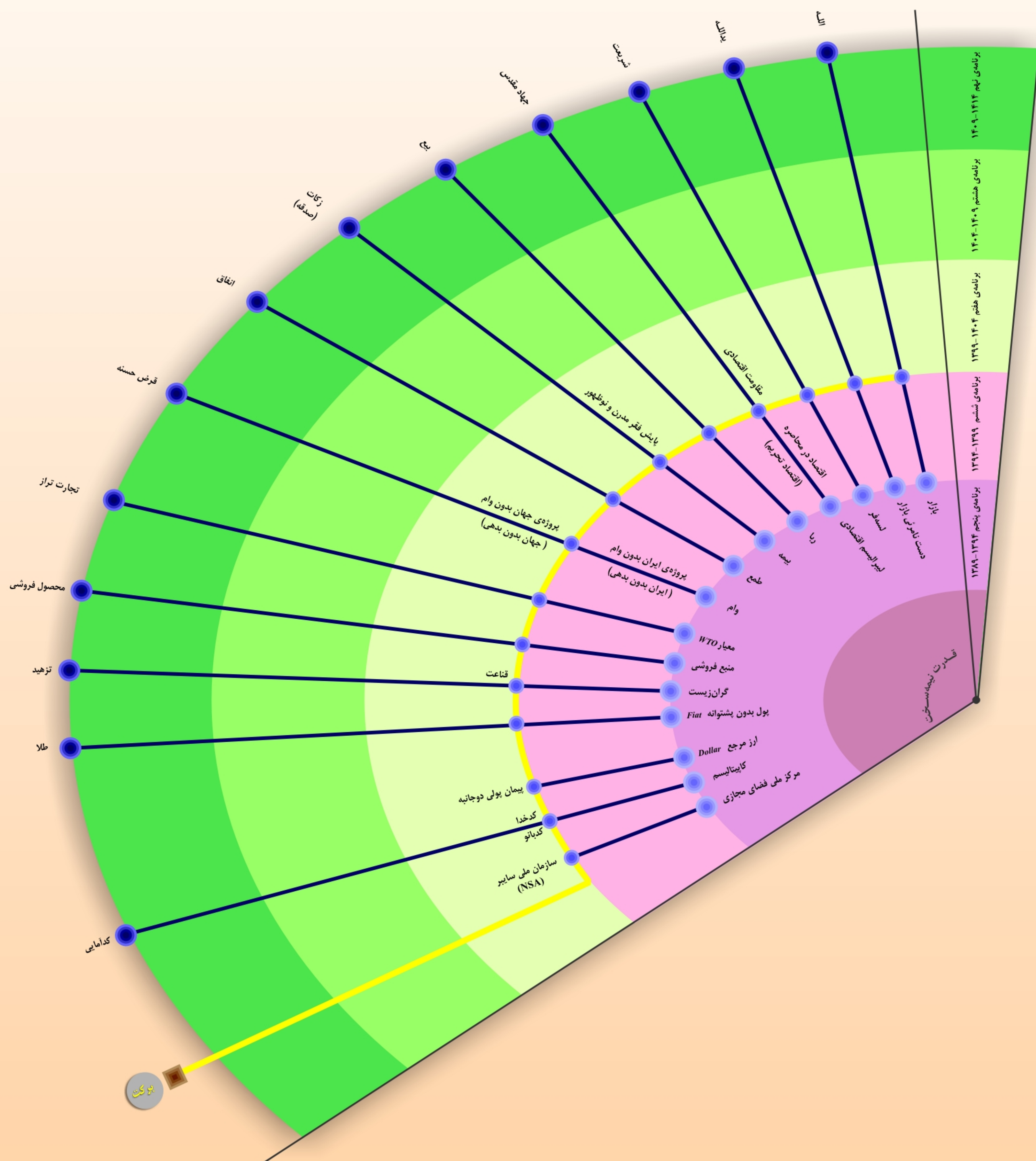
ویراست دوم - اسفند ۱۳۹۳



فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی

در حوزه‌ی قدرت نیمه سخت

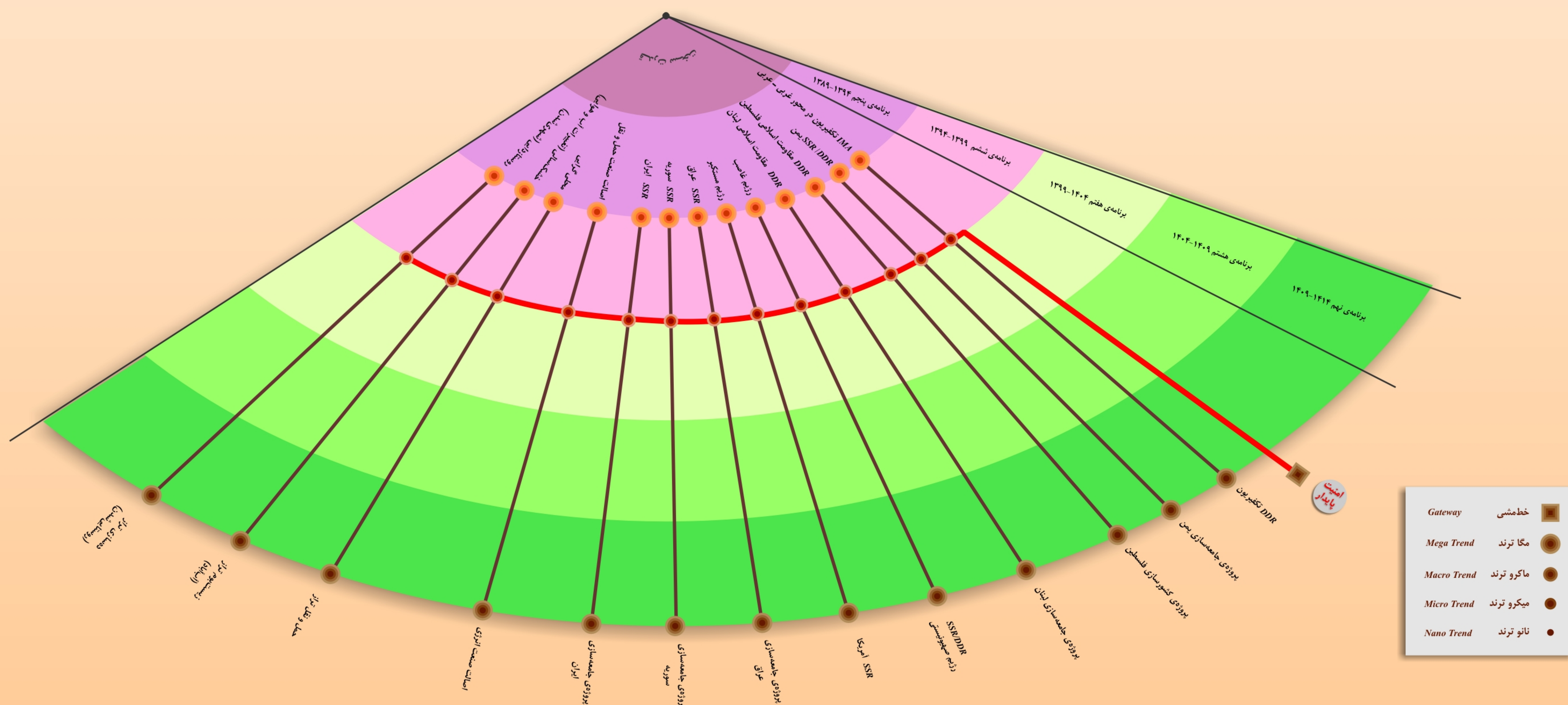
ردیف	وضع موجود (ترند)	وضع مطلوب (تراز)
۱	بازار <i>Market is God</i>	الله
۲	دست نامرئی بازار <i>Invisible hand</i> (<i>Hands of God</i>)	یدالله (فوق ایديهم)
۳	لسه‌فر	شریعت
۴	لیبرالیسم اقتصادی	جهاد مقدس (مقاومت اقتصادی)
۵	ربا	بیع
۶	بیمه	زکات (صدقه)
۷	طمع	انفاق
۸	وام	قرض حسنه
۹	معیار <i>WTO</i>	تجارت تراز
۱۰	گران‌زیست	ترهید
۱۱	منبع فروشی	محصول فروشی
۱۲	پول بدون پشتوانه <i>Fiat</i>	طلا
۱۳	ارز مرجع <i>Dollar</i>	پیمان پولی دوجانبه
۱۴	کاپیتالیسم	کدامایی
۱۵	مرکز ملی فضای مجازی	سازمان ملی سایبر (<i>NSA</i>)



فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی

در حوزه‌ی قدرت سخت

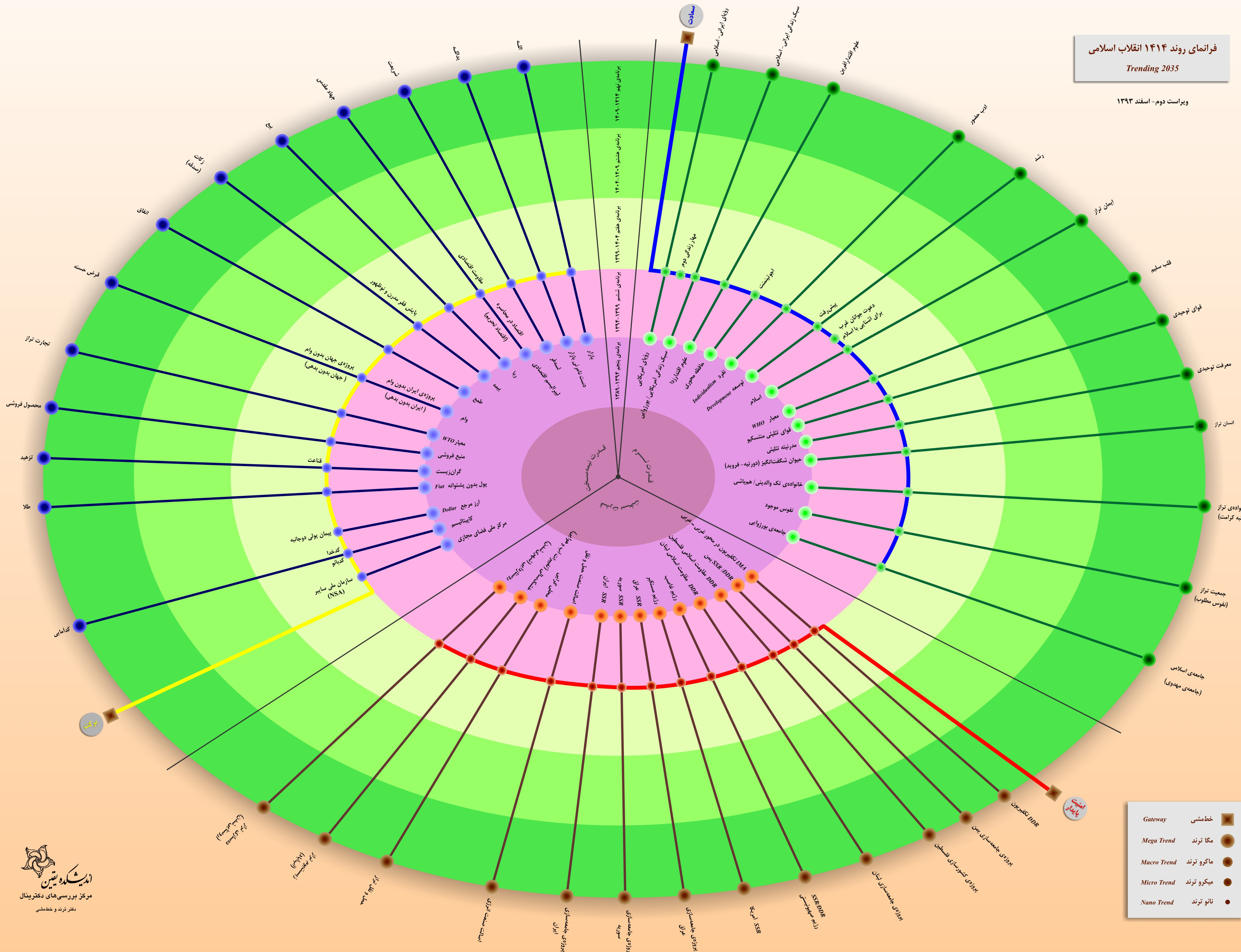
ردیف	وضع موجود (ترند)	وضع مطلوب (تراز)
۱	روستازدایی (شهری شدن)	دهسازی تراز (روستایی شدن)
۲	خشک سالی (تغییرات آب و هوایی)	زیست بوم تراز (آب آباد)
۳	محلی گرایی	حمل و نقل تراز
۴	اصالت صنعت حمل و نقل	اصالت صنعت انرژی
۵	SSR ایران	پروژه‌ی جامعه‌سازی ایران
۶	SSR سوریه	پروژه‌ی جامعه‌سازی سوریه
۷	SSR عراق	پروژه‌ی جامعه‌سازی عراق
۸	DDR مقاومت اسلامی لبنان	پروژه‌ی جامعه‌سازی لبنان
۹	DDR مقاومت اسلامی فلسطین	پروژه‌ی کشورسازی فلسطین
۱۰	SSR / DDR یمن	پروژه‌ی جامعه‌سازی یمن
۱۱	رژیم مستکبر	SSR آمریکا
۱۲	رژیم غاصب	SSR / DDR رژیم صهیونیستی
۱۳	IMA تکفیریون در محور غربی - عربی	DDR تکفیریون



فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی

فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی

فرانمای روند ۱۴۱۴ انقلاب اسلامی



فصل چهارم

مخاطرات

و

افق‌های محتمل جهانی

مخاطرات و افق‌های محتمل جهانی

نمونه‌های مخاطرات جهانی و افق‌های محتمل جهانی که در افق ۱۴۱۴ بر حیطه‌ی ملی جمهوری اسلامی و روند انقلاب اسلامی تأثیر قطعی خواهند داشت:

حوزه‌ی قدرت نرم

۱. شیوع گسترده‌ی تثلیث معرفتی غرب در علوم
۲. شیوع گسترده‌ی ثنویت معرفتی شرق در هنر
۳. شتاب غلبه‌ی اصالت تصویر *Imaginatioanalism* بر اصالت تصور *Conceptualism*
۴. غلبه‌ی هویتی فضای مجازی در اینترنت بر محیط داخلی، مبتنی بر زندگی دوم
۵. شیوع جهانی افسردگی
۶. شیوع جهانی اضطراب

حوزه‌ی قدرت نیمه سخت

۱. تنزل اینترنت (عقب افتادن زیرساخت‌های اینترنت از نیاز کاربران)
۲. افزایش سریع جرائم سایبری
۳. افزایش عمومی قیمت کالاها
۴. کمبود مواد خام استراتژیک
۵. کمبود برق
۶. کاهش منابع آب شیرین
۷. تروریسم ژنتیکی / تروریسم بیولوژیکی / تروریسم اکولوژیکی

۸. ادامه‌ی انتشار گسترده‌ی فیات (پول بدون پشتوانه) به عنوان یک رویه‌ی مقبول در نظام بانکی کشورهای صنعتی
۹. فروپاشی دلار آمریکا
۱۰. فروپاشی نظام مالی چین
۱۱. فروپاشی سیستماتیک نظام مالی جهانی
۱۲. بیماری‌های همه‌گیر جهانی
۱۳. گران زیست
۱۴. شیوع فقر جهانی
۱۵. شیوع فساد جهانی
۱۶. شیوع تبعیض جهانی
۱۷. بسط ربای جهانی
۱۸. انقلاب در طبقه‌ی متوسط غرب و تضعیف روزافزون آن
۱۹. موج جهانی تخلیه‌ی روستاها و ایجاد شهرنشینی فزاینده
۲۰. مهاجرت انبوه جمعیت بین کشورها و قاره‌ها

حوزه‌ی قدرت سخت

۱. تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی
۲. تروریسم هسته‌ای
۳. شیوع تروریسم الکترومغناطیسی
۴. تجزیه‌ی روسیه
۵. تجزیه‌ی عربستان سعودی
۶. تجزیه‌ی عراق
۷. تجزیه‌ی سوریه
۸. تجزیه‌ی یمن
۹. تجزیه‌ی ترکیه
۱۰. تجزیه‌ی افغانستان
۱۱. تجزیه‌ی پاکستان
۱۲. تجزیه‌ی بریتانیا

۱۳. تجزیه‌ی کانادا
۱۴. تجزیه‌ی آمریکا
۱۵. منازعه‌ی آمریکا و چین
۱۶. منازعه‌ی آمریکا و کره‌ی شمالی
۱۷. زلزله بزرگ در کلان‌شهرها / زلزله بزرگ در تهران
۱۸. وقوع جنگ‌های اقلیمی و منازعات آب و هوایی
۱۹. ذوب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن آب اقیانوس‌ها
۲۰. استمرار خشکسالی جهانی

سناریوهای محتمل در حد فاصل افق ۱۴۱۴ تا ۱۴۴۴

۱. جهان بدون اسرائیل / بدون صهیونیسم
۲. جهان بدون آمریکا / بدون کاپیتالیسم
۳. جهان بدون عربستان / بدون وهابیسیم

سناریوی ناگزیر در افق ۱۴۴۴

- جهان بدون وام / جهان بدون بدهی

پیوست

پیوست یکم

متعلقات ایمان در آیات قرآن کریم

نمونه‌ی آیات مرتبط با هفت متعلق ایمان:

۱- ایمان به غیب

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (سوره‌ی بقره، آیه ۳)

(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و نهان است) ایمان می‌آورند.

۲. ایمان به خدا

وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحاً يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... (سوره‌ی طلاق، آیه ۱۱)

و هر که به خدا ایمان آورد و کار شایسته کند، او را به بهشت‌هایی در آرد که از زیر آن‌ها جوی‌ها روان است.

۳. ایمان به ملائکه

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ؛ (سوره‌ی بقره، آیه ۱۷۷)

نیکی (تنها) آن نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید، بلکه نیکی (و) نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورده باشد.

۴. ایمان به کتب الهی

۱-۴. ایمان به آنچه نازل شده

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ؛ (سوره‌ی بقره، آیه ۴)

و (پرهیزکاران) آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده ایمان می‌آورند و به جهان واپسین بی‌گمان باور دارند.

۲-۴. ایمان به کتاب

وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أُنْزِلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ؛ (سوره‌ی شوری، آیه ۱۵)

و بگو: به هر کتابی که از سوی خدا نازل شده ایمان آورده‌ام

۳-۴. ایمان به کلمات

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ (سوره اعراف، آیه ۱۵۸)

پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که ایمان به خدا و کلماتش دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید.

۵. ایمان به انبیاء

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا؛ (سوره نساء، آیه ۱۵۲)

و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیچ کدام از آنان فرق نمی‌گذارند به زودی [خدا] پاداش آنان را عطا می‌کند و خدا آمرزنده مهربان است.

۶. ایمان به آیت‌ها

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (سوره مؤمنون، آیه ۵۸)

و آنان که به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند.

۷. ایمان به آخرت

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ؛ (سوره انعام، آیه ۹۲)

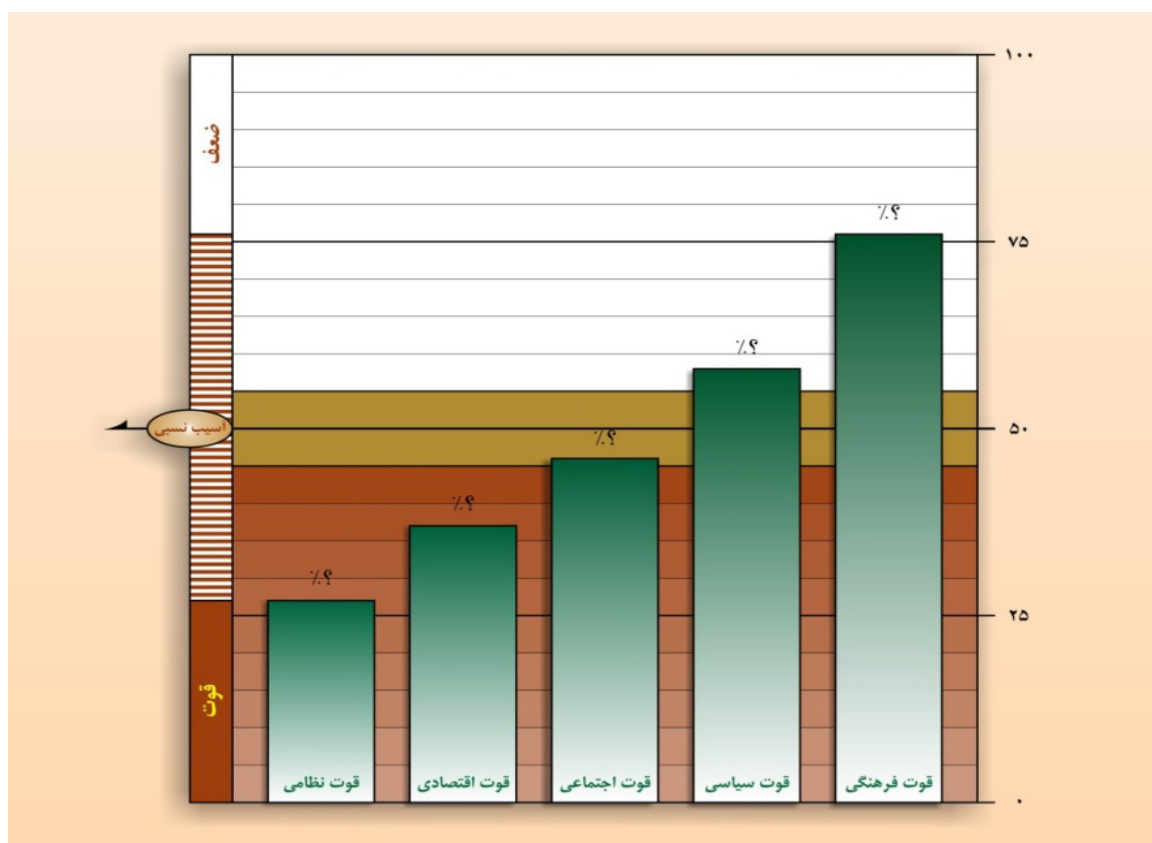
و کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند به آن [قرآن نیز] ایمان می‌آورند و آنان بر نمازهای خود مراقبت می‌کنند.

پیوست دوم

ابعاد پروژه‌ی SSR

پروژه‌ی SSR (Security Sector Reform) طرحی برای در هم شکستن مقاومت یک جامعه است. هیچ کشوری منابع پنج‌گانه‌ی قدرت ارگانیکی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دفاعی - نظامی) هم‌سطح و هم ترازى ندارد و در یک حوزه قدرتمندتر و در حوزه‌ای دیگر ضعیف‌تر است.

سازوکار پروژه‌ی SSR به این گونه است که منابع پنج‌گانه‌ی قدرت کشور هدف ارزیابی، و مشخص می‌شود که هر کدام از این منابع قدرت در چه سطحی هستند و بلندترین و پایین‌ترین سطح قدرت در کدام حوزه است. آن‌گاه با سازوکارهای خاص خود، قوی‌ترین منبع قدرت را آن قدر تحت فشار قرار می‌دهند و فرسوده می‌کنند تا به سطح چهارم برسد، سپس در مرحله‌ی بعد این دو سطح را با هم تحت فشار قرار می‌دهند تا به سطح سوم برسد و به همین ترتیب این روند تا آنجا طی می‌شود که همه‌ی سطوح قدرت به پایین‌ترین سطح برسند.



حال اگر به جای منابع پنج‌گانه‌ی قدرت ارگانیکی، منابع دوگانه‌ی قدرت سایبرنتیکی (اطلاعات و انرژی) مطرح باشد نیز به همین منوال عمل می‌شود.

خنثی کردن پروژه‌ی *SSR* در حرکت معکوس است. به این معنا که باید با ارزیابی منابع قدرت کشور، قوی‌ترین منبع قدرت را مشخص نمود و در مرحله‌ی بعد تلاش کرد به ترتیب عناصر دیگر قدرت را به آن سطح رساند.

پیوست سوم

ابعاد پروژه‌ی DDR آمریکا در جهان اسلام

طرح رفرم در خاورمیانه‌ی بزرگ که از سوی آمریکا مطرح شده است، ابعاد مختلف فرهنگی و سیاسی دارد. اما آنچه از آن غفلت شده است، ابعاد نظامی و امنیتی آن است، چه این که این طرح، پس از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از آغاز حرکتی که آمریکا آن را «مبارزه با تروریسم» خواند، از سوی رئیس جمهور وقت آمریکا (بوش پدر) مطرح شد.

در طرح رفرم در خاورمیانه‌ی بزرگ چهار پروژه‌ی دموکراتیزاسیون کشورهای خاورمیانه، لیبرالیزاسیون کشورهای منطقه، تحقق جامعه‌ی مدنی در کشورهای اسلامی خاورمیانه، و ارتقاء وضعیت حقوق بشر در کشورهای منطقه، مبتنی بر استانداردهای غرب در دستور کار قرار گرفت.

تحقق این چهار پروژه، منوط به انجام یک پیش‌برنامه یا پروژه‌ی مقدماتی به نام DDR گردید. DDR، بخش نظامی - امنیتی طرح رفرم در خاورمیانه‌ی بزرگ را در بر دارد.

پروژه‌ی DDR که مخفف «غیرمسلح‌سازی» نیروهای مقاومت چریکی «غیربسیج‌سازی» آنها از حضور در جنبش‌های مقاومت و «بازگرداندن» آنها به زندگی عادی و غیرچریکی است، یک پروژه‌ی امنیتی عمیقاً ضد نظامی با اقدامات عمدتاً غیرنظامی است.

آمریکا و سایر قدرتهای غربی، جهان اسلام را اشغال کرده‌اند و از این جهت، تقابل مردمی و مقاومت عمومی را برانگیخته‌اند. از این منظر، هرکس که با حضور و اهداف آنها در جهان اسلام مخالفت کند (بویژه به صورت گرم و مسلحانه) تروریست قلمداد می‌شود.

در پروژه‌ی DDR افراد عضو جنبش‌های مقاومت در جهان اسلام، بایستی ابتدا خلع سلاح شده و غیرمسلح شوند، آنگاه از حالت بسیج خارج شده و دیگر انگیزه‌ای برای پیوستن داوطلبانه به این جنبش - های مقاومت نداشته باشند، و در نهایت، با ایجاد شرایط تحصیل و اشتغال و ازدواج و سکونت، به زندگی عمومی بازگردانده شوند.

پیوست چهارم

فهرست عناوین جلسات حوزه‌ی ترندگذاری

در دوره‌ی طرح‌ریزی استراتژیک در افق ۱۴۱۴

الف - ترندگذاری غرب

ردیف	عنوان جلسه	تاریخ جلسه	شماره‌ی جلسه
۱	ترندگذاری غرب (۱) - حق ترسیدن - گزارش مرکز سیاست دوحزبی آمریکا	۸۷/۰۸/۳۰	۱۵۰
۲	ترندگذاری غرب (۲) - چشم‌انداز ۲۰۱۵ جامعه‌ی اطلاعاتی آمریکا	۸۷/۰۹/۱۴	۱۵۴
۳	ترندگذاری غرب (۳) - گزارش مرکز ملی ضد تروریسم آمریکا	۸۷/۰۹/۲۱	۱۵۶
۴	ترندگذاری غرب (۴) - گزارش ۲۰۲۵ جامعه‌ی اطلاعاتی آمریکا	۸۷/۰۹/۲۸	۱۵۸
۵	ترندگذاری غرب (۵) - گزارش NPR - دکترین جدید هسته‌ای آمریکا	۸۹/۰۱/۱۹	۲۰۹
۶	ترندگذاری غرب (۶) - دکترین نیروهای مسلح آمریکا (۱)	۸۹/۰۳/۲۰	۲۲۷
۷	ترندگذاری غرب (۷) - استراتژی امنیت ملی آمریکا (۱)	۸۹/۰۳/۲۷	۲۲۸
۸	ترندگذاری غرب (۸) - استراتژی امنیت ملی آمریکا (۲)	۸۹/۰۳/۲۷	۲۲۹
۹	ترندگذاری غرب (۹) - دکترین نیروهای مسلح آمریکا (۲)	۸۹/۰۴/۰۳	۲۳۰
۱۰	ترندگذاری غرب (۱۰) - کلبه‌ی دیجیتال	۹۰/۱۱/۲۷	۳۲۷
۱۱	ترندگذاری غرب (۱۱) - جامعه‌ی دیجیتال (۱)	۹۰/۱۲/۱۸	۳۳۱
۱۲	ترندگذاری غرب (۱۲) - جامعه‌ی دیجیتال (۲)	۹۰/۱۲/۲۵	۳۳۳
۱۳	ترندگذاری غرب (۱۳) - جامعه‌ی دیجیتال (۳)	۹۱/۰۱/۱۷	۳۳۶
۱۴	ترندگذاری غرب (۱۴) - جامعه‌ی دیجیتال (۴)	۹۱/۰۱/۳۱	۳۳۸

۴۳۳	۹۲/۰۳/۰۹	ترندگذاری غرب (۱۵) - مانی تاريسم	۱۵
۴۳۴	۹۲/۰۳/۱۶	ترندگذاری غرب (۱۶) - اتوپيای ونوس	۱۶
۴۷۴	۹۲/۰۹/۱۴	ترندگذاری غرب (۱۷) - زمین ۱۴۹۴	۱۷
۵۳۰	۹۳/۰۵/۲۳	ترندگذاری غرب (۱۸) - ترندهای ۲۰۴۵ - DCDC	۱۸

برای دریافت فایل تصویری این جلسات به وبسایت کلبه‌ی کرامت به نشانی

<http://www.kolbeh-keramat.ir> مراجعه شود.

ب - ترندگذاری انقلاب اسلامی

ردیف	عنوان جلسه	تاریخ جلسه	شماره‌ی جلسه
۱	انسان تراز	۹۱/۰۶/۰۹	۳۷۲
۲	ناتو یا ساتو	۹۱/۰۶/۱۶	۳۷۴
۳	قلب جهان	۹۱/۰۶/۲۳	۳۷۶
۴	قدرت ملی	۹۱/۰۶/۳۰	۳۷۹
۵	برندگذاری	۹۱/۰۷/۱۳	۳۸۱
۶	دولت تراز	۹۱/۰۷/۱۳	۳۸۲
۷	امت تراز	۹۱/۰۷/۲۰	۳۸۴
۸	بیت تراز	۹۱/۰۷/۲۷	۳۸۶
۹	علم تراز	۹۱/۰۸/۱۱	۳۸۸
۱۰	نظام تراز	۹۱/۰۸/۱۱	۳۸۹
۱۱	سبک زندگی، اصل قضیه	۹۱/۰۸/۱۸	۳۹۱
۱۲	عرش الرحمن	۹۱/۰۹/۱۶	۳۹۳
۱۳	ملک تراز	۹۱/۱۰/۲۸	۴۰۴
۱۴	ارشاد ملی	۹۱/۱۱/۲۶	۴۱۱
۱۵	اطمینان	۹۲/۰۱/۲۹	۴۲۳
۱۶	آموزش تراز	۹۲/۰۷/۲۵	۴۶۵
۱۷	جامعه‌ی تراز (۱) - جامعه‌ی کامل	۹۲/۰۸/۳۰	۴۷۱
۱۸	جامعه‌ی تراز (۲)	۹۲/۰۹/۰۷	۴۷۳
۱۹	محیط تراز	۹۲/۰۹/۲۸	۴۷۷
۲۰	عصر تراز	۹۳/۰۳/۰۱	۵۱۲
۲۱	سواد تراز	۹۳/۰۵/۳۰	۵۳۳
۲۲	ترندهای دوره‌ی برنامه ششم	۹۳/۰۶/۱۳	۵۳۷
۲۳	جامعه‌ی تراز (۳)	۹۳/۰۶/۲۰	۵۳۸
۲۴	معرفت تراز (۱)	۹۳/۰۸/۲۲	۵۴۰
۲۵	معرفت تراز (۲)	۹۳/۰۹/۰۶	۵۴۲
۲۶	معرفت تراز (۳)	۹۳/۰۹/۲۰	۵۴۵
۲۷	معرفت تراز (۴)	۹۳/۱۰/۰۴	۵۴۹
۲۸	معرفت تراز (۵)	۹۳/۱۰/۱۸	۵۵۳

۵۵۹	۹۳/۱۱/۱۶	جامعه‌ی تراز (۴)	۲۹
۵۶۱	۹۳/۱۱/۳۰	جامعه‌ی تراز (۵)	۳۰
۵۶۶	۹۳/۱۲/۱۴	ترندهای ۱۳۹۴ در افق ۱۴۱۴	۳۱
۵۶۷	۹۳/۱۲/۲۱	جامعه‌ی تراز (۶)	۳۲

برای دریافت فایل تصویری این جلسات به وبسایت کلبه‌ی کرامت به نشانی
<http://www.kolbeh-keramat.ir> مراجعه شود.

منابع

- 1- http://www.economist.com/content/global_debt_clock.
- 2- <http://www.nytimes.com/interactive/2013/09/29/sunday-review/how-5-countries-could-become-14.html?ref=sunday>.
- ۳- فریدمن، جرج- «جهان در ۱۰۰ سال آینده»، ترجمه‌ی ابوالحسن تهامی، تهران، نشر فرزاد روز، ۱۳۹۱، صص ۵۶-۵۳.
- ۴- چگینی، عباس- «ابعاد پروژه‌ی DDR آمریکا در جهان اسلام»، انتشارات اندیشکده یقین، ۱۳۸۷.
- ۵- امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌ها، ۱۱ تیر ۱۳۹۳.
- ۶- امام خمینی (ره)، «سراصلوه»، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
- ۷- مهرابی‌بهار، علی- «دکترین ملی سلامت جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۴»، انتشارات اندیشکده‌ی یقین، ۱۳۹۰.
- 8- <http://www.worldfamilymap.org>
- 9- <http://www.socialtrendsinsitute.org/publications/family/the-sustainable-demographic-dividend>
- 10- Allam Bloom, "The Closing of The American Mind", P101
- ۱۱- راتکاف، دیوید- «ابرطبقه»، ترجمه‌ی احمد عزیزی، انتشارات کویر، ۱۳۸۹.
- ۱۲- کولمن، جان - «کمیت ۳۰۰ کانون توطئه‌های جهانی»، ترجمه دکتر یحیی شمس، نشر علم، ۱۳۷۶.
- ۱۳- امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۲۰ اسفند ۱۳۹۲.
- ۱۴- امام خامنه‌ای، ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، ۳۰ بهمن ۱۳۹۲.
- ۱۵- روحانی(حسن)، نویخت، نهاداندیان، ترکان - سند رسمی «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران»، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹، صفحه ۷۸۲.
- «... به نظر می‌رسد که نظریه‌های مکاتب نهادگرایان و کینزی‌های جدید با الگوی مطلوب توسعه در جمهوری اسلامی ایران قرابت بیشتری داشته باشند.»
- ۱۶- صحیفه‌ی امام، جلد ۱۸، صفحه‌ی ۴۳۴، سخنرانی در جمع مسئولان اقتصادی و کشاورزی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۳.
- «اگر چنانچه ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواست، باز در بانک‌اش، در تجارت‌اش، در بین مردم‌اش باشد، ما نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری‌مان جمهوری اسلامی است، محتوای جمهوری، اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان، علما در این مسئله بسیار فعالیت کنند، دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات بدهند و ملت هم باید توجه بکنند به اینکه مواجه هستند با یک هم‌چون چیزی که قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»، اعلام جنگ بکنید با خدا. و اگر چنانچه بانک‌داری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست رواج پیدا

بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می‌مانند، می‌نشینند توی خانه‌شان و پول‌شان برای‌شان کار می‌کند و حال آنکه پول نباید کار بکند. پس اصلاح بانک هم یکی از امور بسیار مهم است، چنان‌چه اصلاح اقتصاد و مالیات و امثال ذلک هم بسیار اهمیت دارد.»

۱۷- امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارکنان و فرماندهان ارتش، ۲۸ فروردین ۱۳۷۵.

«بالا‌تر از استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی است که مسئولان کشور، نمایندگان مجلس و دست‌اندرکاران مسائل اقتصاد، باید توجه کنند که در زمینه پول، در زمینه سازوکارهای اقتصادی و در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، وابستگی خودشان را در همه‌ی بخش‌ها قطع کنند.»

18- <http://www.bipartisanpolicy.org/library/report/meeting-challenge-us-policy-toward-iranian-nuclear-development>.

19- <http://www.nsainfo.ir>.

20- <http://www.dni.gov/index.php/about/organization/national-intelligence-council-nic-publications>.

21- <http://icana.ir/Fa/News/256590>.

22- http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/813227.

۲۳- صحراگرد، مجید- «دکترین ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۴»، انتشارات

اندیشکده‌ی یقین، ۱۳۸۵.



مرکز بررسی‌های دکترینال

دفتر ترند و خط‌مشی